

کشتی شهر که اتصالاً در حرکت خواهند بود تفنگ انداخته شود آن مکان با توپ و تفنگ خراب و مهدم خواهد شد در صورتیکه بطور تحقیق و صحت معین شود که اغراض خارجی در بین بوده آتوق با توپ و تفنگ آن خانه خراب و مهدم خواهد شد

۳ - اشخاصیکه بار کاه و هیزم و تیر و غیره در معابر و کوچه ها انداخته راه عبور مردم را مسدود می نمایند قذفن اکید میشود که بعدها مرتکب این گونه اعمال نشوند

دم - کالسکه ها و درشکه ها باید در سمت راست معابر پشت سرهم بایستند چنانچه نمود و خلاف این از آحادیده شود از کالسکه چی مؤاخذه خواهد شد

یازدهم - لطافت و آب باشی و پاکیزه نگاهداشتن کرجها و معابر با صاحبان خانه و مستأجرین خواهد بود

دوازدهم - از تمام سکنه طهران خواسته میشود در مراقبت امورات انتظامات شهری مساوت با ( این جانب) داشته باشند (رئیس فرمانده بریگاد سواره قزاق اعالی حضرت قدر قدرت قوشوکت اقدس هاپون شاهنشاهی اروا حنا فدا)

( بالکویک ا. خف )

سواد لایحه است که بعد از تصرف

نودن تلکرافخانه تبریز با امر استارخان

سردار ملی در تبریز طبع و نشر گردیده

نوی ملی

ای اهالی مظلوم ستمدیده ایران ، ای مؤسین انجمنهای ملی ، ای نویسنده گان جراید ، ای مدیران مکاتب ای اولیاء اطفال و محصلین مدارس ، ای طالبان امنیت و آسایش ، ای تجار و کسبه بازار که بفرانقت حال تجارت و کسب خودتان را میکردید ، ای فقرا و ضفا که روزها مشغول تحصیل روزی شده و با خاطر آسوده نان و گوشت خودتان را خریده شما راحت میخواپدید ، ای صاحبان عرض و ناموس که تا بحال چشم تا محرم برض و ناموس شما نخورده بود ، ای مؤمنین و مقدسین که با کمال امنیت در جماع نمازجماعت خوانده بعبادت خدا مشغول میشدید ، ای متمولین و ثروتمندان و بزرگان در فکر کاوهای همده و کارخانه

جات و امتیاز راه شوسه و سایر آبادی ها بودید پس گو انجمنهای شما ، گو روزنامه ها گو مکاتب چه شد امنیت و آسایش شما رفت بلبه جرا مضمحل شد نظمیه کسب و تجارت را که بست ، مانع روری شما که شد ، برض و ناموس شما که حیسانت کرد ، مساجد چه شد ، از عبادت جرا ما ندید ، درهای مساجد جرا بسته شد ، آبادی مملکت را کی مبدل بخرابی نمود ، مشروطیت شما کجا رفت ، دارالشورای کبری چه حال دارد ، وکلای محترم چه شدند ، مدیران جراید ملی را برای چه کشتند و از وطن تبعید نمودید ، رحیم خان شجاع نظام ضرقام سواران بیدین الواری شرم جرا بحسمة شریعت و نمایندة اسلام شدند ، بایندگان اسلام محلات را جرا چپاول و قارت کردند ، زنها و دختران مسلمانان را کشیدید ، هشتصد باب دکانین و حجرات مات بچاره را جرا تاراج کردید ، رؤسای دین شما و علمای ، ، ، شما حرا نامت این همه خدمت و رو سیاهی کشتند ، پس اینها ادعای اسلامیت می نمودید ، گر از دین برگشته اند رحم و مروت و انصاف اینها چه شده خدایا بک محاسن ملا تقدر وجود غیور ستار خان و باقر خان غیرت و حیثت بدارد

اسلام و شریعت را هانه نموده فتوای قتل هموم میدهند الخداقه اطن شریعت بیات فایده و حیسانت اطن ابشارا بر همه دنیا ظاهر ساخت علمای ما آنچه مدتها در خلوت مشغول بودند در این يك ماه آشکار نمودند قتل غس کردند آدم سور بیدد خانه و بازار را تاراج کردند برض و ناموس ملت حیانت کردند با تمام مستبدین و اشرار و اجاسر هم آغوش گشته ، شهر را زبر و زر نمودند سواران بیروت را حکم همه قسم بی شرمی دادند آسیا بایم شهر را خراب کردند آب و نان مسلمین و فقرا و ضفا را بردند ، باز بیدار نمی شوید آخر نکبت این ما مسلمانان را فهمیدید متصود اصلی این مدکیشان را حالی ندید

چهل کرور مسلمانان بیک بارک الله (۰۰۰۰۰) بخارجه فروختند تق بر حیای اینها فرانس باشی حکومت هستند اینها میر غضب استبداد هستند اینها هستند که سالهای سال خون مات را مکیده بخاک سیاهشان نشانده اند چند روزی طاقت عدالت و مساوات را

یاوردند و فوری نان گندم و ارزاق تیر زهر آوردند بچشم اینها  
 این بی ناموسها را چه قدر حرص غلبه نموده که که يك دانه گندم را هزار درجه از يك مسلمان موحد محبوب تر دارند خلی خلوب هم این بدبختها و طرایبها که برای مملکت و ملت ما فراهم نمودند برای ریاست خودتان یا فروش غله خودتان اگر از پیش برسد گر خوردند نوش جانان باشد دیگر گذشته است بعد از این خلیلهای خام را نیزید رونق عوام فریبی شما رفت بازار تدریس ملت فروشی شما کساد شد بعد از این نمیتوانید کون برهنه وارد شهرها شوید در اندک مدت صاحب املاک و عمارات و باغات و مستغلات بشوید تا بحال که مات دست شما را میبوسید بعد از این تف بروی شما خواهند اداخت تا بحال تعظیم و تکریم شما را مینمودند بعد ازین احترام شما را واجب نخواهند شمرد ، چنانکه شما ملت را ذلیل گردید اولاد شما را ذلیل خواهند کرد . . . . زنده باد مشروطه و آزادی پست باد استبداد و علماء سوء ، سر افکنده باد طرفدارن دینت استبداد

بخاربات آقایان مشرورمه باز

( دلیل مظلومیت ملت سواد تلگراف مستدشین شریعت حاجی میرزا حسن مجتهد III ) خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای مشیرالسلطنه و جناب مستطاب اجل اکرم آقای - بهسالار اعظم دامت شوکتها اضطرار و سهوق کار بحسارت و سوء ادب ناچار میکنند کار باین بزرگی را که خونها در آن ریخته شده و خاما بقرت رفته و معاریف عالم و محترمین از اهل و خانه بجزر و همه در معرض خطر در محله دیگر مانده باز بجه انگاشته میباشد بی مایه تدارف و تلگراف انجام بگیرد تلگراف فرموده بودید اعلیحضرت هایوزی آ یک ترور خرج گذاشتن را حاضرند و علاوه بر پست هزار تومان حاجی ابراهیم ده هزار تومان حواله بیانگ شده است حاجی ابراهیم حواله دیوات چیزی نداده و در اول امر هشت هزار تومان بشاهزاده مقتدرالدوله و وقت ورود دوهزار تومان بسر دار داده و حالا مطالبه میکند واقعه که صد هزار تومان مخارج لازم دارد در این مدت ده هزار تومان از دیوات رسیده است ، عجب اینکه بجناب آقا

میرهاشم تلگراف میشود ده هزار مجتهد حواله شده این حواله کجا و کی است نداده چرا مهم میکلید ده هزار نیز مقتدرالدوله هزار دود بی درمان داده بجملاً عرض میکند کار خلیلی سخت و از بی بولی کار خلیلی خانه هم قنک و قنک بی قنک مانده و نوکر جواب داده و بیکار میروند اگر بصورتی معامله نفوذ قوه خودداری نیز از دعاگوئیات ساقط آنچه نباید بشود بدولت و شریعت وارد میشود و تلگراف بمرض راه بشود که اردوی بین راه در حرکت سرعت نمایند محل مهر مجتهد

ایضاً

تلگراف حاجی میرزا حسن

( حاجی میرزا کریم امام جمعه )

حضور جناب مستطاب اجل اکرم آقای سپهسالار اعظم دامت شوکت امروز روز شنبه از صبح تا عصر تنگ جنگ بود سواران شجاع نظام با جوی قنکچیان شتریان تائب کاظم و تائب حسن خان شتریان جدا کاملاً فتح نمایان کردند ضرفام نظام با سواران خود نیز جنگ خوب نموده و خلیلی جلورفته اند امروز بامیر خلیلی سخت روز بود حاجی موسی خان اسجوانی امروز در هر طاق و مرندبها خلیلی جای تحسین بودند محل مهر ( حاجی میرزا حسن ) ( حاجی میرزا کریم )

ایضاً

تلگراف شکرالله خان شجاع نظام

توسط حضرت مستطاب اشرف سپهسالار اعظم مدظله بخاکبای مبارک بندگان اعلیحضرت قدر قدرت ظل العالی ارواح العالمین فداء دیروز خلیلی شکست خورده اند بطوریکه امروز که روز چهار شنبه دو ساعت بفروب مانده مثل این است که نیست و نبود شده خیر آورده اند که ستار خان نابکار هم مرده چون غسال آورده اند چشم غسال را بسته اند به نعش نگاه نکنند ، احتمال هست که اصل داشته باشد بعد از رسیده بی مرض میرسام از اقبال بی زوال تا حال نه صدای قنک هست نه نوپ و اپرت امروز همین بود بعرض خاکبای مبارک رساند ( غلام خان زاد شکرالله )

بالت ملت

صورت تلگراف است از آقایان مفصله القیل که

متدرجاً بطهران مخبره شده . حاجی میرزا حسن امام جمعه حاجی میرزا محسن . آقا میر هاشم ، شجاع نظام ، عین تلکرافات مهور در مسجد مصصام خان حاضر است هرکس که طالب باشد رجوع فرماید . . .  
 حال برادران غیور وطن عزیز خود را بعد از قرائت این دستخطها بسلام برپا ده که همه تیشه بریشه دین و دولت بزنند و موجب ریش هزاران خون ناحق مظلومین و هتک امراض مسلمین بشود درست بانصاف و تعقل در مضامین آنها دعوت مینماید که دقیقه چند با هوش و حواس در نگارش انجمنیان دین اسلام غور فرموده و میزان عقل بسنجید که چه قتها و چه آشوبها و چه ینهاها از این کلمات فاق آمیز تولید میشود بجه اندازه اساس اسلامیت و مشروطیت ما را ضعیف و اضمحلال میدارد و دو چار مشکلات لا یحل میکند نتیجه آن شد که از اثرات نگارش آنان رشته قومیت ما بکلی گسیخته و ارکان مایهت ما متزلزل گردیده کار بجائی کشیده که میانه دو برادر که همعاه و هم محله بودند نزع خصماه واقع و چون دو دشمن جانی اسلحه برداشته بجان هم دیگر افتادند اف بر غیرت اسلامیت این محترمین شرع و دشمنان نوع بشر باد که شق عصای مسلمین را عنوان حمایت از دین نهادند کردند آنچه کردند ( قتلو محمداً بسیف محمد )  
 ( تلکراف آقا میر هاشم )

طهران - بتوسط جناب استیاب اجل اکرم اعظم سپهسالار امیر جنگ دم اجلاله العالی وضع شهر کا فی السابق اشرار از سکرهای خود شان وارک در تیر و توپ اندازی کوتاهی ندارند از این طرف هم معارضه بجهت میشود باین وضع و ترتیب گویا تصفیه امور امکان ندارد نه حاکم با کفایتی و نه وزیر لشکر با سیاستی از همه بدتر اطوار ناملازم این دو نفر آقایان میباشد که ابدآ از اعمال غرض و نفسانیت دست برنهندارند ساعتی نیست که فرقه از دوستان را مفروض نکنند هرکس بخیال خود اقدام میکند نه مصرف نخواه معین است و نه ترتیبی در کار است احدی چه دوست و چه دشمن جای امیدواری از ایشان ندارند تمامی استعداد معین حق نان سوارها و عموم توقعات بسیده دهاگو افتاده اهالی بر جناب بکلی و اغلب ناس بواسطه حرکات

ایشان از اسلامیه امراض نموده خود دعا گو هم چندان تردد ندارم ولی از خارج مردم را بهر وسیله جمع و امیدوار مینماید نخواه حواله شده را مال خود فرض کرده بطور دلخواه صرف میکنند بشئونات ایشامم بر خوردن اقتضا ندارد تا حال سه مرتبه رشته کار را بکلی جمع کرده تمامی امور تصفیه شده بود که بی کفایتی حکومت و امدادات ناملازم آقایان مجدداً تغییر داد حالیه غیر از این که حاکم کانی با اردوئیکه در راه هست بر سند علاجی باین ترتیب بنظر نمیرسد لهذا اقامت دعا گو جز زحمت بی ثمر و خون دل انری نخواهد داشت استعدا از درگاه عالم پناه آنکه مرخص فرمائید چند روزی یا در نعمت آباد بدفع کابله که در موضع مؤذی مانده بپردازد و یا آنکه عازم ریارت آستان مدنی بوده باشد ( اقل هاشم الموصی ۲۹ ج ۲ )  
 ( ایضاً تلکراف حاج میرزا حسن و حاج میرزا محسن )  
 طهران - حضور مبارک شدگان اعلی حضرت شهر یاری حلقه ساطعه متدرجاً بشارت مسالین بیشتر میشود چند نوب دواتی تصاحب نموده جنگ دواتی میکنند تمام مالداران در عملات ایشان طوعاً و سکرها نخواه فراوانی میرسانند سه روز علی النوالی جنگ بود بشارت شاهزاده مقتدر الدوله هجوم آورده نزدیک بود تاراج نمایند اگرچه سواران قرادافی و مرندی و قنکجیان محله ایستاده کی کرده مخالفین ر عقب نشانیدند و بالفعل غلبه و قوت در این طرف است لیکن اری نخواهی کار خیلی سخت و لنگ است چنانکه مکرر بعرض رسیده توجه مخصوص فوری لازم است ( محسن ابن محمد ) ( محمد حسن ابن محمد باقر )

( ایضاً تلکراف حاجی میرزا کریم خان و حاجی میرزا حسن )  
 خاکبای مبارک هابوی دام ساطعه آقا خان حسین کلو و کریمخان دراهر با نصر الممالک بی جنگ گذاشته و اقتشاش میکنند سردار بصرت که در تبریز مشغول انجام خدمت بسیار مهم و از تکثیر سوار و سرباز ناچار است تقویت و آورده کردن او از هر جهت لازم است کار کریم خان و آقا خان در این موقع خیلی نامناسب و باعث شرارت اشرار تبریز و خدایت دولت است قدغن اکید و تهدید سخت لازم است که مشارالیه ترک هرزگی نمایند تا سردار بصرت تا سوده کی

کار تبریز را صورت دهد

( دعا گو الواثق بالله الفی عبد الکریم ابن رحیم )  
( محمد حسن ابن محمد باقر )

( ایضاً ۱۴ ج ۲ )

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای سپهسالار اعظم دامت شوکتہ استمداد صوری کاملاً موجود سردار بصرت و شجاع نظام در کار خود مجد لیکن از بی بولی دست بسته و انگ تنگ دارند و فتنگ ندارند سوار و سرباز جیره و مواجب میخواهند بی کار میروند اعتماد الدوله با عسار اعتذار میکنند حاجی ابراهیم از اسلامیہ کنار و کاری از او ساخته بیست گنک از وزیر خود سند میخواهد چیزی نمیدهد مباحی داعی و جناب مستطاب امام جمعه از بانک فرض کرده با اسلامیہ دادیم دیگر قدرت نداریم اگر خواه متدب بصورت رسید امید واریم انشاء الله تعالی کار بخوبی ختم شود و الا کار فضیحت و رسوائی خواهد کشید

( صلاح مملکت خویش خسروان دانند )

( محمد حسن ابن باقر الواثق بالله الفی عبد الکریم

ابن عبد الرحیم )

( تکرار شجاع نظام ۲۶ ج ۲ )

طهران - توسط حضرت مستطاب اشرف وزیر جنگ سپهسالار اعظم دامت شوکتہ خاکبای مبارک بندگان اعلی حضرت قدر قدرت شهر یاری ارواحنا فداء اهالی اشرار حملجات تماماً عقب رفته اند از معدنی در محله امیر خیز جمع شده اند امروز همه لقب سنگر های ستار را گرفتند دو فدره سنگر محکم است نوب شرابیل کشیده اند اتصال می ایدارد ولی درست میخوانند که الحمد بحانی صدمه رسانیده اند ، ولی نوبه ساینکه غلام بسته ام تمام کرده اگر مقتضی رای مبارک باشد ز سفارت محضال قوسل امر شود ده بیست هزار فتنگ بدهند بر حکم عمل چیزی مانده ( غلام خاه ز د شکر الله ) ( شجاع نظام )

( ایضاً )

توسط حضرت مستطاب اشرف وزیر اعظم خاکبای مبارک سدگان اعلی حضرت قدر قدرت ظل الهی ارواحنا فداء دستخط فتنگ هم رسید از توحه حضرت حجة محل الله فرجه و از نیال بیروال شهر یاری ارواح

العالمین فداء امیدوار است فردا محل امیر خیز یک طرف بشود ابن اعیان که این طور ملک بحرانی میباشد تمام شان و نشان و دولشان از این دوات و زندگانی را از ملک خوار کی دوات جمع این خائین و لا مذهبیان مستحق اینست که تمام علاقجات اینها ضبط خالصه بشود ( غلام خاه زاد شکر الله شجاع نظام )

نقل از روزنامه ترقی منطبعه باد کوبه

صورت تفرام نایب الحکومه تبریز

بطهران که بعد از ضبط مشروطه خواهان

( در تفرافخاه آشکار شده )

خاکبای مهر اهتلائی اعلی حضرت قدر قدرت اقدس هاپون شاهنشاهی ارواحنا فداء از ملک خواری و دولت خواهی دیگر طاقت طاق شده با کمال جسارت که همه چیز را بی برده بر سر برد، تبریز و اطراف بکلی طراب و تمام شد شجاع نظام مفسد مرندی را قبله ظلم ارواحنا فداء کاملاً می شناسند دو نفر عالم بی چاره را که از منتضیات سیاسی و مملکت داری بی اطلاعند آه اجرای مقاصد فاسده و منافع شخصی فرار داده آنچه بایست نشود کردند هزار مرتبه داد و فریاد کرده و دامن حضرت را گرفتند و حق از نماینده کان دول خارجه انجاس و تعلق کردم که نشستن حضرت آقایان در اسلامیہ و دخالت به امور سیاسیہ صحیح و وظیفه ایشان نیست عراض غلامه موقع قبول نیافت و ده کرور بلکه متجاوز ضرر وارده داخله و خارجه وغیره است ، دیروز که تفراف رأفت آمیز اهل حضرت ظل الهی ارواحنا فداء باو فرستاده و مراسم ملوکانه همه ابلاغ و قدغن کرده ام که بر حسب امر قدر قدرت هاپونی فتنگ اندازی موقوف شود تمام سواره و سرکرده ها قبول کرده غیر از شجاع نظام در شب افلا دو هزار تبر هوائی از سر بام و توی منزل خود خالی کرد و تمام تبریز را بو حشت انداخته و حق کالوله هوائی بمنزل سردار بصرت آمد و میانه دیوار خورد به ملک اعلی حضرت قبله ظلم قسم است هرگاه خانه و جان و اهل و عیال غلام در سایه خدمت دوات و استقبال سلطنت برود ابد و اومه ندارد و قابل مذاکره نمی داند ولی طراب و ویرانی مملکت از حد گذشت تمام این کارها محض جلب

ملفقت است که دولت و رعیت حیوانات مینمایند به ملک  
 مبارک قسم یاد میکند مخصوص سوء قصدی بجان غلام  
 دارد ~~صک~~ غفلتاً بوسه نمکنا ما قلی خانه راد آشوب  
 دیگری علاوه بر انقلاب حاضره بیاندازد انشاء الله بعد  
 از چند روز دیگر که شاهزاده عین سلوه وارد میشود  
 صدق عریض غلام معلوم خواهد شد تصدی مرض  
 میبایم چه، قازها چه خانها و بازارها بتاراج رفته و  
 میرود، هر وقت مرض به آقایان کرده ام عوض اینکه  
 عریض، صلحانه را بیزان عقل بسازند و سلاح مملکت  
 را بدند که کافذ رسمی از نایبده کان دول خارجه نرسد  
 ولی حضرات هیچ منافقت این نکات بستند آنکه با خیالات  
 غلام همراه است سردار نصرت و جناب آقا میر هاشم  
 ست استدعای غلامه دارم توجه حاصل فوری فرمائید  
 که مملکت زیاده از این ویران شود

خانه زاد (مقدرا سلوه)

**خاک رسر ایران اگر هنوز**

**چشم باز نه نماید**

**از خانه یکی از اهالی آذربایجان**

مجلس بارخان ایران را چگونه حراب کردند ؟  
 بنسرب گلوله های آتش نشان توپ  
 یا اسرکی  
 بحکم شاه  
 مگر سباه شاه مسلان نبودند  
 اسما چرا ولی معنا ابدأ

همه مردمان دنیا پرست که رسول (صلم)  
 فرموده (دینم د نایبم) از همه جا بجز فکر شان  
 بر کردن کیسه قصد شان فرعونیت ایام استبداد مقلق شان  
 شریح قاضی سردار شان سردار روسی

باوکلائی مات و خطبای امت چگونه معامله کردند ؟  
 گرفتند کشتند آویختند محبوس ساختند بدار کشیدند  
 منافقین را چه کردند ؟

جایزه و انعام و خلایع قاهره و مناسب طالبه  
 بخشیدند و در گورچه و بازار باقر اولان و سورها  
 پیاده راه میروند و منت بزمن میگذارند

علماء اعلام که مخالفین مجلس را تکفیر و تلعین  
 مینمودند و مخالف را محارب با امام زمام (عج) مینمودند

پس از اسماع اینواقعه هایلله ناگوار چه کردند ؟  
 نشستند و لاجول خواندند

از آجاییکه چشم امید مقلدین را در باب استناعت  
 بسوی خود دیدند کناره گرفته آرام نشستند  
 بجهت دفع و رفع تصدیح از خود جواب دادند ~~صک~~  
 باید دولت دیگر التجا نماید، و حال آنکه این  
 جواب ماصواب از مناسم و مرستت ریاست روحیه  
 مات خیلی جید و از جانشینان حضرت امیرالمؤمنین  
 و حسین بن علی عالمها السلام بفرسنگها دور بود  
 هموم ابرایان صف اهالی قفقاز بیست ملیون  
 شیطان هند و سند او امر ایشان را تالی امر امام زمان  
 میدانند، و ترک اطاعت حضرات را ~~صک~~ و صلات  
 میشمارد رفع معاصد دنیا و جلب فوائد آخرت را در  
 ایشان متوقع هستند

شاید ایشان در خود آقدرت را بدانسته که رفع  
 این مفسده نماید و بهست مساوت فرمایند

چنان نیست بلکه ایشان قادر بر هر چیزی هستند چنانکه  
 اخلاف ایشان بودند والبنه شنبدهاید که سلاطین بزرگ  
 غالب و قاهر ما از راه تدبیر و یا از ترس اطاعت و  
 حابداوری آن بزرگواران را بر ذمه همت خود فرض  
 میشمردند مانند شیخ حعفر حکیم مرحوم بیراه  
 کربلس خود را بفتح علی شاه با کمال اقتضار پوشانید و  
 معنهر گردید و مثل ملا آقای دربتدی رحمة الله ما  
 مقراس شاره های ناصرالدین شاه را زد و چون میرزای  
 شیرری رسوائ الله علیه ما تلکراف شرب قباکو  
 را منع و رمود ما بسکه اهل ایران ترک خوردن نان را  
 سهلتر از کشیدن قیون میدانستند عموماً بر خود حرام  
 کردند حرمهای ناصرالدین شاه قلیان ها را شکستند  
 و قلیان کشان لغت کردند بیک اشاره این فرقه  
 حبهه حلال حرمه بشود جنگ تبدیل آشتی میکردند  
 نامند این قدرت و قوت که آقایان مخالفین مشروطیت را  
 مردود و محارب امام زمان علیه السلام حکم فرمودند و  
 حصارت مردم افزود که در حین ضرورت ملت پشت  
 بساه و یار و مددگار داد و اندیشه از حله قزاق  
 کردند، و نه حتمال حصارت شاهرا بر قتل عام دادند و نه  
 توپ بستن مخانه خدا بهم ما تعامات سمیر روس و  
 سرداری ایاقوف روسی و و رهبان شایمال یهودی

ممت بیچاره دل گرمی بجاوت پشویان خود داشتند و  
 ایشان را مانند میرزای شیرازی می پنداشتند و تکیه  
 و قه بست در سیم جادیه اول روز کرد از نظر  
 محس ظنی که داشتند گفتند شاید مقتدیان ما از ماجرا  
 خبر ندارند و گرنه راضی اشندنی و قارغ نه شدت  
 منعمل زحمت و مصارقات بی نهایه شده با تکرراف  
 منعدمه برض رسانیدند جواب آمد که ما از مظالم  
 طهران و تبریز مطلع و مسوع شده که مأمورین  
 روسی و قزاقها با ص شاه چه آتش افروخته و خانه  
 خدا را خراب کرده و با مسلمانان چگونه معامله  
 باگوار نموده اند که هیچ حیوان وحشی با شکار خود  
 نمیکند و میدام چه قدر اطفال بی پدر و زان پیشوهر  
 مده اند شاه سه دفعه بقرآن مجید قسم یاد کرده بی با  
 سه همه عهود و ایمان خود را شکسته باوجود ایها  
 بجاره منحصر بر اینست که توسل به دولت عثمانی نماید  
 از ما توقع خدمت ندارد سبحان الله گذشتگان ما را  
 از هر جبهه از توسل اجابت منع میفرمودند و اینها  
 دلالت مینمایند کسانی که ظلم و بی اعتدالی را از حکومت  
 حسانی و این کم لطفی و بی اعتنائی را از حکومت  
 روحانی و پیشوایان دین می بینند چه چاره سازند و  
 راه خلاصی از کجا جویند غیر از اینکه از همه جا  
 گسسته توسل با امام زمان و توکل بخداوند قادر قهار  
 کرده حقوق فاسده خود و دفع مفاسد و مضار حالیه  
 حاضره را تقوای می ملیه خویش تدارک نمایند نهایت  
 مدحتی و کمال است که محکوم با مردم و حکومت  
 نشسته دوسا و برانو و مالیات دهد یکی حکومت طامه  
 جهانی دیگری حکومت معلومه روحانی اولی مالیات را  
 نه رای حفظ ثنور مملکت و رواج شریعت و مصارف  
 بجاهدین ملت باید ذخیره کند میبرد در فرنگستان  
 کف پایشاه بادختران شوخ شنک ارذالت تمام صرف  
 لهو و لعب میکند و اما آخری که به مده اولی میچربد  
 بحکومت روحانی با کمال تواضع و فروغ و دست بوسی  
 داده میشود بمصارف و تربیت و تعلیم مانند شیخ  
 فضل الله نوری و میرزا حسن تبریزی و سید علی یزدی  
 و غیره . . . . . میبرد که وجود شریفشان بموجب  
 فساد میان مسلمانان و تنگ اسلام و اسلامیان میشود  
 میرزا حسن در تبریز قوی بسوارهای رحیم خان

میدهد که هر ص سالان عدالت خواه حلاله است و  
 بسر هیچده ساله مشروطه خواه را که قلم حیا میکند  
 از نوشتنش حایز میبشارد حالا که با پول خود مات بر  
 شرش این نوع بلیات وارد می آورند عرض و ناموشش  
 را بیاد فنا میدهند بهتر اینکه مالیات دومی را که از ما  
 بزور و شکنجه میگیرند بضایف دیگر صرف محافظه  
 ملک و مملکت بجاهدین تدارک بایم صندوق ملی  
 تشکیل کرده تمام وجوه ری و سیم امام علیه السلام  
 در آن صندوق جمع نمود قسمتی بمسکین و معلولین  
 و قسمتی برای محافظه ثنور مملکت بجاهدین با اعدای  
 دین بدیم هر کس از احوالات تبریز ناخبر باشد میداند  
 چه میگویم اعززه و اشراف با پوست حر برزه و هندوانه  
 گذران میکنند از ظلم و جور سردار مخذول رحیم خان  
 از دیدن حالت بینوائی ایشان دل سنگ آب میشود  
 وقت آن رسیده که مانند نمایان پوسنهای کوسفندان  
 قربانی را جمع کرده خرج مثل راه آهن مدینه منوره  
 کنیم که هموم مسلمین از آن حسیرات سودمند شوند  
 راه چهل و پنج روزه را در سه روزه طی میکنند  
 جان و مال عباد الله از قتل و قارت اصراب بدوی  
 مصون و محفوظ بماند و صد تومان مخارج به نجاش  
 تزل کند و سه ماه هم زودتر مردم باوطن خود  
 معاودت نمایند وقت آن رسیده که وجه مالیات در  
 مدارس هموم ولایات خرج طلائی بایم که نتیجه علوم  
 ایشان حراست وطن و دین و آیین و شریعت مقدسه  
 ما شود بلکه مانند امروز از بطعی و بی معرفتی در  
 دست یکتفر لیاثوف روس و شایشال یهودی سی  
 کرور ملت اسیر و سرگردان و زار و بالان بمانند  
 وقت آن رسیده که مسائل فقه را که امروز هزار  
 مصیبت یاد گرفتند ممکن نیست در مکاتب فارسی  
 سهل العبارة که زبان ملی است ترجمه کرده اعلی و ادانی  
 از آن بهره مند کردند دیگر لازم نشود که صیح زود  
 خدمت شیخ نوری دوبده شوال بایم شك در میان  
 دو و سه چه باید کرد و علاوه دوساعت در در خانه  
 معطل باشیم که جناب آقا ترین لحیه وردا نماید تا  
 بیرون آید یا ننت جواب بدهد  
 خلاصه کلام نومید کشتن از نوجه آفتابان که پس  
 از هزار سال انتظار امیدواری راحت خودشانرا بر منافع

مات مقدم دارند زحمت و خسارت و مسلوب و مقتولی  
مقتولین را هیچ نشمارند این را هم باید قال نیک گرفت و  
دنیا کار رفت یعنی چشم از معاونت مخلوق بسته دست  
توکل بدامن قادر متعال زد. بقوه ملیه خود اقدام نمود  
هیچ سکوه در مقابل این قوه مقاومت نتواند نمود  
هیچ مسمی از دایره نفوذ آن بیرون نخواهد ماند مابعد  
میکنیم که چرا آقایان بشروطه حوامان معاونت  
نکردند شاید عنبر شرعی داشته باشند ما نمیگوئیم  
مشروطه بهتر از استبداد است ما میگوئیم شاه جاهل  
امت محمد (صلم) مات و رعیت بیگناه را بجزیر و  
عنف میکشد و اشرار را حکم بغارت اموال و ناموس  
رعیت که اولادش میبخواد میدهد شما هم در مسلک  
همان رعیت هستید و از همان ملت و امت محسوبید مگر  
جان شما از جان حسین بن علی عزیز و سن و سال شما  
از سن و سال عزیز قاطمه زهرا عابها السلام بیشتر  
است مگر جان اولاد شما از جان اولاد نوردیده رسول  
خدا (صلم) بهتر است مگر سبب محاربه ملت باهائ غیر  
از عمارت حضرت مولای متقیان علیه السلام باوالی  
شام و امام حسین علیه السلام با زید بن معاویه است  
عموم مسلمین بخلاف حضرت امیرالمؤمنین حق والی  
و حال آنکه شام کردن نهادد لکن والی شام خواست  
که در جای خود مقیم باشد خلیفه ریح فرمود  
که در عهد من راضی میباشم که بیک نفر غلام حبشی  
طم و تمدی شود و اجرای مساوات نباشد و امام  
حسین اگر به زید پایبند بود میکرد در شاه زادی  
و رفعت شان خود نقصان نمی آورد لیکن بیک نفر بعد  
از آن اهل توحید یا برجا می ماند بحق حق و بی  
مطابق سوگند که همین معاهده مشروطه خواه نامسئدین  
مثل امام حسین و جنود زید بن معاویه است چنانچه  
امام حسین قوندانۀ طفل رضیع شاهه خود را بالای  
دست گرفته فرمودند ای اهل کوفه و شام من شما را  
راه حق دعوت میکنم کسی گوش نداد تا اینکه آن  
غیرت الله از جانب و اولاد و عیال خود درگذشت  
که شریعت جسدش با برجا بود و ثلمه بشریت رسد  
آیا آنرا قربانها نیست که امروز اسم اسلام و کلمه  
توحید در زبانها جاری است آیا آنرا قربانها نیست  
که الیوم کتب احادیث و اخبار در بلاد اسلام منتشر

است آیا اثر این قربانها نیست که اسم محمد و مقدم  
برده میشود بی واقعه بی ناکه اگر در آن روز آن  
غیرت الله حفظ جان و عیال کرده مصالحه میفرمود  
وقایع بنویدهای بزد میکشت اسلام و داع باز پسین  
میکرد و آلازمه از اسلام اسی بود و نه از مسلمان  
رسم ای جانشینان حسین بن علی و ای آنانکه هر روز  
میگوئید (یا لبتنی کلت معک) بسم الله استقلال ایران  
در شرف اسمحلال و شریعت مطهره در نهلکه است  
هان هان ای مسلمانان محمد علی شاه عنیم را حزم کرده  
عمه شئونات شما را بخارجه دهد شما بهتر میدادید ولی  
توس و مرعوبیت شما را نمیگذارد اقدام بحفظ شریعت  
و ملت نباید مگر نمی بیند (امت رحال) ظالمان مستبد  
عنان را چگونه منکوب و مغذول نمود چه بلاها بر  
ظالمان آورد غیرت ملی چه ها کرد سلطان با آن  
عظمت و قدرت با وفور لشکر و خزانه جز تسلیم و  
رضا جاره ندید صدها از بزرگان و صاحب منصبان  
که هر یکی یک حکمران و صاحبان ملیانها زوحال  
بودند امروز بقعه زنجیر عدالت گشته در زندان ندامت  
از افعال و کردار خود دارند ولی خطاب مستطاب  
الان (و قد عصیت و کنت من قبل من الفسدين)  
را بگوش جان میشوند و حکم (ما ینفع الدم)  
را معاینه می یکنند پس - ملیان ایوه که از بیت المال  
مسئدین دزدیده بودند تسلیم مات سکردند بار در  
حاکمه قانون عدالت شرمند و سراسکننده منتظر  
سیاست هستند از سایه اعلان مشروطه عموم دول از  
تقسیم ملک عثمانی صرف نظر کردند و رسماً اعلان  
نمودند اکنون که رسم مشروطیت و عدالت پیش گرفتند  
و بیدق مساوات افراتق کسی را با شا جای گفتگو  
ناید همه اینها از سایه علوی است که جوانان باغیرت و  
حیث در مدرسه ملی تحصیل کردند و در آن مدرسه  
که شیخ فضل الله قوری تحصیل نموده اری سخن دراز  
کشید احتمال کلی میرود که آقایان مرا تکفیر نمایند  
ولی ارا که حساب باک است از محاسبه چه بالا است  
عقیده بده ایست که بیست مستحق برنش غزات  
اقدس واحد یکتای خداوند منعال سک جمع  
موجودات را از کتم عدم دایره وجود آورده  
و حده لا شریک له و محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله

سده برگزیده و رسول و فرستاده اوست سوی ندگان  
 بجهت هدایت و راهنمایی و امیرالمؤمنین وصی رسول  
 و حجت خداست بر ندگان و یازده فرزندش  
 حجج الله اند و روز قیامت و حساب و میزان  
 بهشت و دوزخ همه بر حق است مؤمن و مطیع را  
 بهشت کافر و فاسق را جهنم در خور است و این  
 عقیده بنده نه تقلیدی و نه تعلیمی است بلکه بحکم عقل  
 همه اینها را ایمان آورده و یقین کرده ام و الحاد  
 و التهمه حلال خدا را حلال و همه حرامها حرام  
 میدانم از تصعب عقیده است که در این دل شب  
 خواب را بر خود حرام کرده و نور چشم را ضایع  
 نموده دلم بحال اسلام و اسلامیان در سوز و گداز  
 است که بسوید این اوراق میپردازم من دایم و دوست  
 هر چه هستم هستم و السلام علی من اتبع الهدی

﴿ ترجمه روزنامه عربی المباره یومیه ﴾

﴿ و الاحوال منطبعة بیروت مورخه هشتم ﴾

( شهر رجب سنه ۱۳۲۶ )

در زیر عنوان ( جگړه باعطای قانون اساسی  
 نائل شدیم ) احوالات ذیل را از محل موقوف می  
 نویسد ( ضیاط اردوی دویم و سیم و حللی پاشا )  
 ( و مجلس وکلاء و برقرار شدن قانون اساسی ) ۲۴  
 شهر محوز فرسنگی مطابق ۲۴ جمادی الثانیه سنه ۱۳۲۶  
 در سلانیک صاحب منصبهای اردوی دویم و سیم عثمانی  
 مجلس نمودند و بعد مذاکره متفق الرأی داخل شدند  
 در منزل ( حللی پاشا ) مفتش ولایات سه گانه روم  
 ایللی و او را تهدید قتل نمودند تا اینکه تلگرافی باین  
 مصور باعلیحضرت سلطان عثمانی بیاید ( که اردوی  
 اول و دویم در سلانیک طامی و مصمم شده اند که  
 هجوم باسلامبول نمایند ) حللی پاشا بدید حاکمه و سببه  
 خلاص شدن از مرگ غیر ز نوشتن و فرستادن  
 تلگراف مذکور ندارد نوشته و فرستاد و تلگراف مذکور  
 اتفاق اتاد وصول او بقصر سلطانی در وقتیکه اعلیحضرت  
 سلطان مجلس عسکریه مخصوص منعقد نموده بود  
 ری محاکمه ضیاط آلائی شصت و دو که در سلانیک  
 به نیت جاسوسی گرفتار شده بودند و خود اعلیحضرت  
 سلطان بنفسه رئیس مجلس مذکور بود و از مجلس طلب  
 کرد که ضیاط متهمین مذکور را قتل کنند و حکم

حسب بحدت های مختلف ده ساله الی سی ساله بدهند  
 قضاء عسکریه مجلس مذکور در اطاق مذاکره داخل  
 شدند و بعد مذاکره بمجلس مراجعت نمودند حکم  
 به بری القمه بودن متهمین دادند و این مطالب بحین وصول  
 تلگراف حللی پاشا بود چون اعلیحضرت سلطان  
 صدور حکم محکمه عسکریه را خلاف میل خودش دید  
 فوراً امر بمنند مجلس وکلاء خاص نموده برای مذاکره  
 و مفاوضه در این امر بزرگ یعنی تلگراف حللی پاشا  
 و مجلس مذکور همت ساعت تمام طول کشید و سلطان  
 بنا کرد به فرید پاشای صدر اعظم سابق و رضا پاشای  
 سر عسکر و مدوح پاشا وزیر داخلیه به حرف زدن و  
 آنها را خائن خطاب نمود و فرمود شما نمی توانستید  
 قتل را خاموش بمانید قبل از اینکه آتش او زبانه کشد  
 هر قدر صدر اعظم خواست پادشاه را قانع کند که هنوز  
 مجال در دست داریم همین قدر بحریبت طلب ما امر  
 قانون اساسی را بدهید قتل می خواهد عیب بود و بخرج  
 نفیقت و سلطان گوش این مطالب میداد و مجادله  
 بر سر این مطالب طول کشید و ساعت مذکور خلی  
 خطر ناک نظر می آمد این مطلب که هر کس ملاحظه  
 میکرد خطری که حلقه کرده بود سلامت مادن سلطنت  
 را و نزدیک بود سینه منفجر شود از غصه و اندوه  
 و اصرار حراست کنندگان سلطانی در این اثنا خبر  
 دادند صاحب منصب های قصر پادشاهی و عسکره  
 را از مجادله و مفاوضات که بین مجلس وکلاء جاری شد  
 در این مجلس طولانی و جوش و خروش بلند شده  
 و این مطالب بگوش احمد عزت پاشا که یاور اکره  
 پادشاه و کاتب سری او است رسید پادشاه را خبر داد  
 و چاره نتوانستند بکنند که باک مجلس دوم از بزرگان  
 رجال دولت نکنند و اعلیحضرت سلطان در این بین  
 که وکلاء مشغول مذاکره بودند در قصر مخصوص  
 مجاور مجلس نشسته بودند و مجلس مذکور تا ساعت  
 چهار بعد از نصف شب طول کشید و جدول جاری  
 بود و بعد از شدت حجت و لجاجت رطوبه که خلاص  
 از حالت حاضره باشد رأی حاضرین حیماً بر وجوب  
 اعلان دستور بنی قانون اساسی قرار گرفت و تمام  
 وکلاء امضا نمودند و سعید پاشا صدر اعظم جدید داخل  
 بر اعلیحضرت سلطان شد و صورت قرار مجلس وکلاء



را در صورتی که جشمش بر زآنك بود اعليحضرت سلطان تبليغ نمود و سلطان زياد متأثر شد بچ دقيقه تمام صورت قرار داد مجلس وكلاء در دستش بود و متفكر بود ابدأ حرکت نمود بعد از آن قلم را برداشت و اراده سنيه را برقرار داد مجلس وكلاء امضا نمود بعد پاشا صورت قرار داد را گرفته از نزد سلطان بيرون آمده در صورتيكه بايد پادشاه تايد مي نمود صورت را بمجلس وكلاء آورد فرداي آروز اعلان دهند و اعليحضرت سلطان اين سه روزه تماماً نه جشمش هم آمد و به خوراك درستي خورد .

روزنامه هاي لسه يعني استريا مجارستان مي پويند كه صدراعظم تازه تايل بسياست انگليس ها ميشد كه اينكه صدراعظم سابق فريد پاشا تايل بسياست آلمان و طرف ميل آنها بود مسئله راه آهن بغداد و اعطاي و به كپايت آلمان دليله واضح است

سعيد پاشا صدر اعظم تازه ( او هم معزول شد ) كه مولود در بلاد ارمانيه ميشد تايل است كه عثماني ها صلاح بلادشان را خودشان بدون امداد اجانب بجايند و سياست او اين كه دولت عثماني براي عثماني ها است  
ه براي اجانب

### مکتوب اسلامبول

( رعاياي عثماني و اعليحضرت - اطوار )

قلم عاجز است از توصيف نمودن اظهارات فرح و مسرت كه اهالي اسلامبول در اين ايام نموده اند روزنامه هاي اسلامبول تمام ستون هاي خود را از مسرت ملت پر ميبايند و واقع هيچ كاتب جلااك دستي نمي تواند در يك روز مفصل حالات را بنويسد بل مدني و كتابي لازم است ( لاکي مفاد مالابدرك كاه ) ( بترك كاه ) بعضي از آنها را انجمن نموده عرضه ميفدارم خالق زيادي جبيع شدد در نصف شب بگشايه ۲۷ جادي لا به در صورتيكه دعاي نصرت و طول عمر پادشاه خود مي نموده و عازم قصر يلدز شدند و سراجتاً استعفا نمودند كه تايل هشتم شخص سلطان را از دور مشاهده كنيم اعليحضرت ايده الله از قصر پايين آمده از شبك با بجره قصر خود را اعالي نمودند در صورتيكه صدراعظم سعيد پاشا و شيخ الاسلام و

وزراء و بزرگان و موظفين منكيه و عسكريه باو احاطه داشتند ، و پادشاه نفسه طلق را كه مضمون فارسي آن اين است جنين فرمود ، كه مطمئن باشيد اي اولاد من كه من از مبيح بابت دريغ در امورايكه ضامن سعادت شما مانند مدارم و انشاء الله آنيه شما در ضمان سلامت است و سي ميكنيم ما و شما با تمام اتفاق و همه باهم برادر مي شويم من زياد مسرور هستم از اظهار اخلاص و ارادت شما برويد بسلامتي منزل خودتان و استراحت بآييد .

( روزنامه اقدام ترك ميگويد )

شب اعليحضرت سلطان برسيد اين جماعت چه مطلبي دارند جواب دادند طول عمر و حلاله مولانا سلطان را مبعواهم لاکي خاتين سي و سه سال حليل شدند بين ما و پادشاه رؤف مهربارمان و ما را محروم کردند از ديدار مقدس او الان مقصود ما مشاهده حال اعليحضرت بود الحمد لله مشاهده نموديم زنده باد سلطان ملن ( پادشاه جواب داد )

از يوم حلوس من عرض سلطنت عثماني ساعتی منك از سي در سعادت وطني و حفظ سلامت سلطنت شما نبوده ام و هميشه آرزو و آمال من خوشحالي و سلامت رعاياي صدقه خودم بود كه فرق ما بين آنها و اولاد من گذارم ، و خداوند عمل علا بر آنچه ميگويم شاهد و گواه من است

### مکتوب يث از ايرانيان مقیم عثماني

از پيغم شهر هدي القابيه ما امروز آنچه ميان نيجه بر من مقام اسلامبول و علمای عثبات مخبرات انگراي شده بود آنها را فرستادم

آنچه معلوم ميشود حصرات موالي استراحت خود را ابدانمي خواهند اخلاص ميکنند ماموس اسلاميت در نزد سابر مال و اقوام لکه دار شد بلکه مذهب حنه و ملت ايران را ببيج بشمرند و ما در نظر دنيا سر افكنده و حجل شديم مسالما قضيه مشروطه عثماني را شبيده ايد ، يکنفر از علمای ست و جماعت با اين مشروع مقدس مخالفت نکرد

خوب است راي اطلاع قارئين شما راجورت انجا را بنويسم پس از آنيکه تدبيرات خفيه ( ژان تركم )

حوامان حریت خواه عثمانی عساکر (روم ایل) دولتی را تا فکر خود همراه نمود تبدیل اداره را خواستار شد سلطان مشروطیت را قبول نمود تخمیناً در این بیست و نهم روز. سایر اردو ها هم بمعاوت حضرات هم قسم شدند. این بار دویم است که کابینه و در را تبدیل شد. دیروز کامل باشا رئیس وزرا گشت ده نفر از وزرای سابق وزیر جنگ، وزیر بحریه، وزیر داخله، وزیر معارف و وزیر ضبطیه، صدراعظم، باش کاتب نانی، و بجای نفر رجا سوسان بزرگ که هم شائبه وزراء بودند ملت دست یاری احتسایه گرفته و اکنون در زندان هستند تا پس از افتتاح مجلس بموناز بمحاکمه حضرات بدهی شود. تقریباً تمام اموال ایشان ضبط شد و با سمیت تمام در حبس اند دو نفر آنان فرار کردند خلاصه جز سلطان از قدیمها کسی باقی نمانده است وزرا بر حسب میل ملت انتخاب شد هفت یکصد و هشتاد هزار لیرا نقد و چک بانک در کتف و بغل وزیر بحریه بود و پانصد هزار لیره تخمیناً نقد و چک بانک در صندوق خصوصی وزیر جنگ بود که بتصرف مأمورین احتسایه درآمد بجمع داران مأمورین و وزراء محبوس رسد و جنس و عصار کاملاً توقیف می باشد و مدو مات توسط جراند اعلان عمومی نمود که در این تاریخ هرگاه املاک این اشخاص حائز در دفتر دولتی نقل و تحویل به اسم دیگری شود وزیر (دفتر دولتی) مسئول خواهد بود، این است که کسی نتوانسته ملاک خود را نام دیگری انتقال نماید حرایب ترکی که تا امروز اسم بی سها بودند پس از اعلان مشروطیت از هر گونه نقد و شرط آزاد شده و بر شمار آنها روزی روز می فزاید روی هم رفته وضع امروزی این ملک با نمی توان منتظم گفت امنیت عمومی بیست معاملات نوری ما ملک ما خلیلی به صعوبت است اسهام عثمانی رو به تنزل می باشد و همه مد نظر آخر کار هستند و همین به این سکوت طاهری ندارند

برایمهای مقیمین انجمن خلیلی از تبدیل حکومت و علان مشروطیت عثمانی مشغول هستند و از وقایع فحیمه طهران مضطرب و دل شکسته و چون دستشان از همه جا کوتاه است تسلیت خواطر را به دو شکل اقدام نمودند یکی بواسطه تلگرافات و عتاب

که متأسفانه قدر خردی نتیجه به بخشید و دیگر بتوسط سفارت تلگرافات مفصل بوزارت خارجه ایران سفارت در این مسئله هم جاب دولت و هم جاب ملت را منظور داشته تا شخصاً تلگرافات مفصل بخارجه نموده اطاعت امنیت را با تشکر بکلی فوری مجلس از شاه مصراحت مسائل نمود سواد تلگرافات را با پوست پسته های قبل فرستادم تا در نامه مفصله درج شود تا لا اقل اقدامات ایرانیان اسلامبول درین موکدهم گوشزد عموم گردد

بالجمله این اشخاص که در عثمانی گرفتار شدند صاحبان کروفر و مالکان املاک و عقار بودند و هر یک از امیر بهادر و علی بیگ و محله صد درجه منتمین تر بود، اینها سلطان را اقوا کرده بودند که اگر ما باشیم ترا میکشند و حبس می نمایند امروز از آن دشمنان دوست نامه در دیوانها و نه در دربار سلطان احدی باقی نمانده است حتی از سمرقند سفیر پاریس، امیر برلین پترسبرگ، وینه هنوز شدند در یک هفته یکصد و چهل نفر از معتبرین رجال که همه دارای نشان مرصع عثمانی در درجه اول بودند خانه نشین و فراری و بجای تر بزرگان مثل قاتل حبس و مکافات اعمال سیئه مستبدانه را میکشند ملت که سی سال بود جلال سلطان خود را ندیده پادشاه که رنگ مات طویش را فراموش کرده بود بلکه این پدر و فرزند مثل گوسفند از گرگ ترسان لرزان از یکدیگر بودند دو وجه است بدون طمع سلطان از بین چهل هزار مخلوق میکزرد این جمعیت صدای پادشاه هم جو زده باد حریت یافته باد قانون اساسی قائم باد بعالم بالا میرساند سلطان در کالسه که سر یا استاده بچپ و راست سلام میدهد ملاحظه باید کرد بعد از سی سال فراق پدر از اولاد و ملت ملاقات ناگهانی چه لذت درد، این دو عصر که دیروز چون حفاش و خاور بود، امروز چون شیر و شکر بهم آمیخته خلیلی تماشای دارد آفرین بقل و دانش این ملت اسباب این خوش بختی و سعادت را چه سالی فراهم آوردند، اگر چه سلطان ملت را آزاد کرد ولی در باطن ملت زر خرید خود را آزاد کرد میتوان گفت حالا سلطان در این پوست شب بی خیال خواب کرد، درین بیست روز از خارج دولت در خود اسلامبول دو میلیون لیرا کاست شد که خرج خفیه های بی ناموس

می شد ، روز نامهای سری چندین صد فقره مواجب  
 خوارهای بی لزوم که وزرا امرا بخاطر خواهی خودشان  
 هر یکی صد و پنجاه فقره را در دوایر حکومت و  
 وزارتخانهها بیک اسم گذاشته بودند این فقط در خود  
 اسلامیول بود ، در سایر ولایات چه قدر از این مفت  
 خواران بود خدا دانات است سه برابر آنها خود وزرا  
 میبردند

اف بادم آمد بدینحق خود مان این سعادت را ملت  
 ایران بدست آورد ولی سعادت مستعمل شد خدا یا خار  
 و ذلیل کن دشمنان مجلس مبعوثان ابراز را الهی کور  
 و علیل فرما بهم زنده جمیت طارا ، یا رب العالمین زار  
 و گریان باشد آنکه طارا مظلوم کرد و گریان نمود ،  
 آه چه بگویم دل سوزان و دیده گریان طابع است  
 پس از این میتوانم عرض کنم که این دولت چه قدر  
 مانده بوده که با این همه دردها در بستر بیماری خود را  
 نگاهداری کرده مضطرب شده است باید فکر کرد تا  
 ده سال در سایه عدالت و مشروطیت چه قدرت  
 حاصل تواند کرد خدا توفیق دهد

ای صاحبان چشم پنا و ای مالکان گوش شنوا  
 بشنوید و ببینید ، این است عاقبت جور و جفا ظلم و  
 استبداد ، خیانت بدولت و وفای دنیای دون ذواتیکه  
 دیروز حاکم سی میلیون رعیت بودند امروز محکوم بیک  
 فقر سرباز قراول اند که زحماً باو بیک سبکارد بدهد و  
 منت بزرگ بر او بگذارد ما وجودیکه همه میدانند  
 حقایق اعمال ایشان همین معامله است امروز نه فردا  
 باز مفرور سلطه دو روزه میگردند خواری و رذالت  
 این درجه هم می شود بلی تا بیک درجه این حرکات باید  
 سرمشق ایرانیان شود ، و این گونه معامله را از روی  
 حکمت عملی به نمایند ، و به آینده گان نشان دهند که ای  
 بوجشم من بجز از کشته روسیه ( دوقوا ما کتم  
 تکزون ) در اختلال فرانسه باین معامله رفتار کردند  
 خفیه و مستبدین را بجزا رساندند ولی آن معامله  
 کهنه و فراموش شده بود جهت عبرت ایرانیان مسبب  
 الاسباب اسباب این منظره را فراهم آورد که خدای  
 فرعون و شداد حق است فراموش نکنید که ناظر  
 باعمال سیئه شاست

ای داد که ایرانیها فهمیدند چه نکند که عقیقه

همه سلف را پیش گرفتند و مجازات را از میان مرتفع  
 داشته خائین را جور نمودند تا نتیجه ~~کرد~~  
 خویش را یاقند

اسامی بعضی پاشاواتیکه گرفتار شدند  
 وزیر محربه حسن پاشا اموالش ضبط نقد در صندوق  
 خود و زنتش ۹۷۵۰۰۰ لیرا  
 وزیر جنگ رضا پاشا اموالش ضبط خمیر  
 یک کرویر لیرا

رکی پاشا رئیس توپخانه ، وزیر داخله محمود پاشا ،  
 کلانتر شهر رشید پاشا ، محمود پاشا ، رشید پاشا ، قبی  
 حکامل پاشا ، سر سجاده پاشی ، ابوالهدی افندی ،  
 محسن پاشا پاشی کاتب تالی سلطان ، داماد محسن پاشا ،  
 میر ابوالهدی افندی ، رامی پاشا ، ناصر پاشا ،  
 سر خفیه ، ارمق پاشا سرنجی ، و و و و آنها را در دست  
 رذالت تا برسانیدن پلیس ملت کارشان را ساخته  
 صدعا قف انداز و غش گو خوب زنان که قیامت  
 کردند مثل قاتل و حرامی فعلا حبسند سلم ملحه و  
 عزت پاشا نجات یافته به اروپا فرار کردند ، ولی ملت  
 املاک شانرا ضبط عزت پاشا نقداً بیک میلیون و نیم برده  
 ولی دو میلیون املاک گذاشت اختیار امور دولت در  
 دست عزت پاشا کاتب تالی و محسن پاشا کاتب اول بود  
 حق صدر اعظم را اینها معین می کردند غیر از این ها  
 پنجاه شصت نفر مأمورین درجه دوم گرفتار شدند

حییع دارائی وزرا که اسمشان ذکر شد سی میلیون  
 تخمین کرده اند غیر آنکه معاریف آنها ددیة شن ر  
 از انابك ریاده بود ولی های بزرگ و رئیس بلده  
 بیک بک عزت و عرض می شود ، معلوم نیست ایشان  
 چه معامله خواهد شد ، خود اعلی حضرت سلطان حالا  
 دانسته اند که این ها همه کذاب و خاق بودند دو هفته  
 است که بیرون شریف می آورند بدون طابع و بساویل  
 چهل هزار جمید غیر از یاد ا هم جو پاشا چیزی  
 دیگر نمی شوند چنان وقت آهبز طاقها میکنند که  
 خائنان می سل است ربارت جمال شاهانه ما را حرم  
 کرده طابع بودند سلطانرا هم نگریه می آورند ، آن هم  
 نسلی بایشان میدهد خود سلطان اقرا بخانات ایشان  
 میباید اگر چه این و در ا هم مثل و درای بران سزاوار  
 و مستحق این مجازات ولی عوم خلیلی فرط میکنند

سر ها که دیروز از تکبر آسمان سودی امروز لکدکوب  
 هر حال و فاعله شده است ولی اگر نظر بگردار و رفتار  
 این مستبدین شود خیلی خانه ها را طراب زن ها را  
 بیوه اطفال را یتیم کرده اند سلم ملحه پاشا را که فرار  
 کرده امروز دست بسته وارد اسلامبول کردند ملحه  
 و بر خزانة حاضر بود

### وقایع نگار اداره می نویسد

خبر حرکت خود را در مرسته قبل عرض کردم  
 در ۱۷ زویول باسلامبول وارد و حبال دو روز  
 ماندن آنجا بودم ، ولی چشم مسافر که در حال این  
 ملت نجیب عثمانی افتد ، عزم رحیاش بدل شود باقامت  
 حقیقت هر آنکه حس اساسی دارد نتواند از لذت  
 مشاهده این وضع عالیة عثمانی بگذرد ، درد آنجاست  
 اگر مفصل نوشته شود کتاب هزار ورقی باز کفایت  
 می کند چه ما کرده و می کنند شش سال پیش  
 از این شهر عبور کرده يك هفته مانده تمام این ملت  
 را حسم بی روح دیده و مطبوعاتشان را مرده  
 می انگاشتم امروز نه ملت آن ملت است و مطبوعات  
 آن مطبوعات روح تازه حیات تازه پیدا کرده اند آفرین  
 رحمت و رحمت این ملت

خلاصه کلام از اهل ادارات اولیه غیر از خود  
 اعلیحضرت سلطان کسی مانده درین يك هفته همه منزل  
 و حبس شدند دیروز يك وزیر جنگ نازه رحب علی  
 پاشا نام آورده و بر جنگ کردند اول چه طور او را  
 استقبال کردند غریب نمی آید بعد از چهار روز وزارت  
 خانه آمد ، و همان روز در آنجا ناگهان وفات کرد  
 امروز خزانة او را برداشتند تمام دکانها منسازه ها را  
 بستند چون مسیحی بود علامت ماتم فرنگیهای را بلند و  
 خود فرنگانهم شرکت به ماتم کردند مبالغه نباشد دو بیست  
 هزار نفر از سواره و پیاده با يك حلال و عزت این آدم  
 در بدولت خانه ابدی بودند تا امروز هیچ امپراطوری  
 هیچ پادشاهی را به این احترام بلند نکرده بودند این  
 آدم در وزارت خانه وفات کرد از آنجا هم برداشتند  
 از بزرگان هر کس با زحمت میتوانست يك انگشت  
 سنابوت میرساند در این چندین صد هزار مردم يك  
 حزن و سکوت بود همه گریان تجلیل می چه منزه دارد  
 بمن نشان دادند ، وزیر جنگ اول رضا پاشا در همان

همارت وزارت جنگ حبس و از پنجره تماشای این  
 وضع تجلی را میکرد ، ندانم چه قدر بیاموس بود که  
 از رشک نبرد باری ایضا مقدمه بود عرضم چند کلمه  
 حلت ابرایان این جاست که به عرض برسانم

سندة يك کلاه عثمانی سرپوش خود کرده داخل این  
 جماعت شدم این وضع عثمانی ها ابرایان را خیلی  
 بشورش آورده هر روز بجائی جمع می شوند چند دفعه  
 بسفارت جمع شدند سفر باین ها تسکین میدهد ، پشاه  
 تلگراف کردند گویا جواب مساعد نگرقتند نازم دور  
 هم جمع می شود از يك دهن دو صد صد می آید  
 غالب سخنان بی سر و دم قیل و قال بی فایده چند دفعه  
 به نجف هم تلگرافهای مفصل کردند پیش بنده هم  
 خواندند چه جواب بیاید می دادم گفتم این است اینم  
 هم بی نمر شود هر روز در روز نامها قتل و غارت  
 رحیم خان وقتوای میرزا حسن مجتهد که مشروطه طلبان  
 را عرض و ناموس و مال حلال است میخوانیم از  
 از قراریکه بمن قتل کردند اینجا هم اتفاق کامل ندارند  
 در میانشان مستبدین هست سر آمد ایشان حاجی زین  
 العابدین حربری تبریزی و حاجی غفار فره چه داعی هم  
 شهر رحیم خان گفته می شود بنده اینهارا نمی شناسم  
 اما اولی را در فرنگستان دیدم مرد زشت مسلک خود  
 پسند بی حقیقتی است میگویند شاه از این خبر ندارد  
 اما گویا خود را حقیقه شهادت مردم مینماید که مردم را  
 بترساند خیلی ضرور است خلاصه وضع این بی چاره ها  
 خیلی بریشان است حالا ملتی به عثمانیان شده بعضی  
 میگویند باید رعیت عثمانی شد بعضی میگویند این غلط  
 است سفر هم بایشان تسلی و نوبدها میدهد ، اما کان  
 ندارم کاری بتواند از پیش به برد ، بعضی میگویند  
 سفر خود مستبد است اما بنده دو دفعه در سفارت با  
 چندین صد نفر در مجلس بودم از حالت او استبداد  
 ندیدم خیلی متأثرانه نطق میکرد تجار اعتماد باو دارند  
 اما در بین اصناف اختلاف است هر قدر دیدن عثمانیها  
 مفرح است حال ابرایان هم افزا میباشد فردا نازم هستم  
 جمعی در قلیس هم این حالت را دارند اقرار مسموع  
 تقی زاده و غیر اطاه جمع می نمایند برای تبریز میفرستند  
 هر چه دیده شود عرض خواهم کرد از آقا میرزا  
 سید حسن آقا اطوری حضرت عالی نگرانم بعضی میگویند

خدمت سرکار عالی بعضی بیکویند در قفقاز اگر ملاقات حاصل شد فیض عظیم برای حقیر است و این را عرض مینمایم بنایها تازه برای پیشرفت مشروطه ایران سعی و جهد هستند بایرانیان وعده می دهند بعد از تشکیل مجلس بهیوتان خود دو فکر شا خواهم شد بتوان گفت هر چه را این ملت اقدام نمایند باعجاب میرسند

تکرات تلگرافی واجبه عثمانی

از تلگراف اسلامبول ظاهری می شود که بطریق نج و سی اشاعت یافته که سردار کرد ابراهیم پاشا با ۳۰۰۰ قشون (ونیاستر) را که در آنجا ۴۰۰ قهرزکان هستند محاصره نموده ، از (داربین) خبر رسیده که اگراد بعد از جنگ ۶ ساعت شکست خورده و با ۳۴ مقتول و مجروح عتب نشسته بسیاری از سرداران نیز گرفتار گردیده اند

همه های بدوی نزدیک جده بر قافله حاج حله آورده ۲۵۰۰۰ لیرا نقدین آنها را رده اند

دبروز در اسلامبول ۱۷ محاربت محترق شده ، امروز صبح نیز در محل دیگر آتش زدگی واقع و بزودی منطفی گردید

از (حیمه) غاب (جده) دسته قشون روانه شده تا که حجاج را ز حله مدویان نگاهداری کند

وقایع نگار (طمس) از (پاریس) می نویسد که (سر جبارلس لونیست) رئیس اداره محاسبات ریاست اداره رژی عثمانی مقرر آمده است

فوج محکوم سلیمان پاشا حاکم (پلیولجی) واقع (نوی بازار) حله کرده ، پاشای مذکور فرار نموده سربازان (آستریا) نجاتش داده ، بسمت (اگرم) رهسپار شد

تلگرافی از اسلامبول رسیده که دولت عثمانی اراده دارد ۴ نفر از اعیان و بزرگان خاندان (بدیه) را در اسلامبول حاضر نموده در امنیت (بمن) با آنها مشوره نماید

بایلی (سر ویلیم ویلکوکس) را براسی حفر نهر های لازمه دواراضی بابل و جاهای دیگر مستخدم نموده است

پادشاه انگلستان در جشن تاجگذاری اعلیحضرت سلطان تلگراف تبریک نموده و مسرت خود را ظاهر ساخته با این الفاظ که اول تاج پوئی است که بعد از

اجرای قوانین مشروطیت منعقد شده است

از ۹ ستمبر در (پنسربرگ) ۹۷۳ مرض و با مبتلا و ۲۵۰ ملاق شده اند

بین حکومت (بلغار) ودوات عثمانی مجدد کدورتی عارض شده بسبب اینکه حکومت (بلغار) راه آهن شعبه (رومیلیا) منحرف بود . ناپهالی در مکتوبی که به حکومت (بلغار) نوشته حکم داده که انصران خود را حرکت دهد ، از این رو حکومت (بلغار) معارضه می کند و مجالس چند برپا کرده حکومت را مائل و راضی در بر قرار داشتن مأمورین خود می نماید

حکومت (بلغار) با عالی را اطلاع داده که مسئله منحرف راه آهن (اورینتل) شعبه (رومیلیا) بین حکومت و کپانی راه آهن مذکور صغیه خواهد یافت

حکومت (بلغار) شعبه رومیلیای راه آهن (اورینتل) را بتصرف سپاهبان داده ، با عالی بار دیگر نوشته که راه آهن محول به کسانی شود ، از کارروائیهای حکومت (بلغار) در اسلامبول مردم به هیجان آمده اند

بواسطه مناقشه راه آهن (اورینتل) اباب و ذهاب مسافرین و مال التجاره اسلامبول و اروپاییه عربی مسدود شده با عالی اقدامات لازمه در رفع قائله می نماید

ناپهالی سفیر خود مقیم لندن را اختیارات سفارت فوق العاده داده تا انحام اموری که دولت عثمانی در انعقاد معاهده ترکی و انگلیسی لازم میدانند به نماید

ترجمه از روزنامه میل

(۳۰ آگست)

وقایع نگار اخبار موصوف از تبریز مینویسد «ببین دارم اهلی لندن منتظر اند که نتیجه اطلاعات تبریز را که آینه آتیه ایران است معالیه داده نتیجه حاصل کنند ، میتوانم گفت که اینک وقت آن رسیده که تا درجه ما هم حل این مسئله غامضه را به نایم»

ابن ایام انجمن ایالتی که نای اتین پارلمانی بیدگفت بهمرای ستار خان سپسالار ملی اقتدار نامه پیدا کرده و انتظام شهر در ید قدرت آنهاست و من با کمال دقت مینگرم از وقتیکه اختیارات شهر بدست اینها آمده چگونه امنیت داده و نگاهداری از مال و جان اهالی مینمایند ، با اینک قشون ملی همزه مسلح در شهرگردن

حبل المتین

( این مصیبت جای آن دارم در که چشم آفتاب )  
( خون بگریزد و زوشب مانند کلپ زارزار )

پدر و مادرم بقضای اینگونه رجال غیور وطن پرست ، مقام منبع و خدمات عظیمه شریف زاده در راه مشروطیت بالاتر از آن است که بتوان بیان نمود و حقوقیکه این معارف پرور معارف داود پیش از حد اظهار است ، خداوند عزای خیر ندهد مستبدین سفیانی که از گلستان مشروطیت ما بگل چین رده و می برند ولی این جوان مردان زنده جاویدند و نام نیک شان در سر لوحه تاریخ ملی ایران ثبت است و مستبدین سلطانی هم مغترب بسزای اعمال خویش خواهند رسید

ترجمه اخبار هرالد

( اول ستمبر )

اوضاع تبریز خیلی سخت به نظر میرسد چیزیکه مشروطیتین تبریز را مشوش داشته دو امر است اول رسیدن کمک بین الدوله خصوص فرستادن توخانه دوم راه تبریز ، دیگر قاتل و حه در پست مال و همین تشویش سبب انتشار این خیال گردیده که در حال شکست بقوسل خانه خارجه حمله نمایند ، و این سخن از مجاهدین قفقازی که بکمک مشروطیتین آذربایجان آمده اند روز نمود ، یعنی این امر را آخرین اقدام خود قرار داده بودند که در حال لا علاجی باین اقدام دست احاطه را برصوبه آذربایجان دراز نموده و این وسیله نگذازند قتل دولت بر آنها غایب شوید ، و اگر حمله نمایند غالب ر قوسلخانه انگلیس خواهد بود ، اردوی مشروطیتین را روزانه سه هزار تومان مصارف است و اهالی غیور این شهر جدا سعی اند که قلت مصارف سبب شکست شان نکردهد وقایع نگار اخبار مذکور میگوید من در اردوی مشروطیتین خیلی گردش نمودم طامه را عقیده این است که انگلیس از تسلیم قوذ مطلقه روس برشمال ایران تأیید از پلنیک شاه نموده ، و از بن رو خیلی از انگلیسان دل سرد اند ، با این عقیده باز هم میل قوی خود را نسبت بانگلیسان ظاهر میدارند

ترجمه طمس بیخی

بمرور ایام ظاهر گردید که خیالات ( سر ادوره گری ) وزیر خارجه انگلستان باطل است که ایرانیان

میکند و این نکته طبعا باید مورد افشاش شود باز هم همه گونه آسایش اهالی برقرار است ، ولی هنوز در برخی مواقع مستبدین بارشوه و مصارف یعنی اقدامات بیباید چنانچه شریف زاده را هفته گذشته کشته و اجرد یکی از بزرگان مشروطیتین بود در فهرست مستبدین که رؤسای مشروطیتین را شش نگاشته بودند یکی از آنها شریف زاده بود شصت تومان برای کشتن او اعزام داده بودند چون این خبر به ستارخان رسید فوری قاتل را بدست آورده در مجلس عالی استطاق کرده در همان نقطه که شریف زاده را کشته بودند قاتلش را هم بقتل رسانیدند ، از آن بعد از طرف اداره عدایه و انجمن آذربایجان و نمایندگان خارجه رسماً اطلاع داده شد که تا وقتیکه اقتضای پارلمان ایران نشده است ایالت آذربایجان را مرکز اجرای قوانین مشروطیت تمام ایران باید دانند ، و رسماً به بین الدوله هم چنین مراسله نمودند ، ولی اعلاویه که عین الدوله بدو مرتبه آثار جنگ جایان است ، در حقیقت فیصله این مناقشات امرور بین الدوله راجع است که یاخواهشات انجمن را به بدبرد و یا آماده جنگ شود ،

عین الدوله بقوسل جنرال روس رأی خود را چنین اظهار داشته که جنگ خواهد نمود ، در ضمن مشوره گفته است که من دارای سه هزار قشون و ۱۲ هزاره توپ هستم و خیلی دارم شهر تبریز را بتوپ بندم از این رو اروپائیان و رطایب خارجه را پیش از وقت آگاه میبایم که محافظه خویش بکشند ، در مقابل این اردو ستارخان و باقر خان دارای پنجمزار قشون مسلح اند علاوه بر آن عده که از مسلمانان قفقازیه بتایید آنها رسیده اند ، و آنچه معین است هفت هزاره توپ هم دارد و فتح و شکست این جنگ نمیتوان حکم کرده ولی اگر عین الدوله فتح کند همین تشکداران که قشون ملی اند اغلب به اشغال خود باز خواهند گشت ، و قشون دولتی ما این تشکداران خاسکی چه خواهد کرد معلوم نیست ، من نمیتوانم درباره این جنگ پیشین گوئی کنم ولی همین قدر میگویم که اعلان مشروطیت عثماني و احکام رؤسای روحانی شبهه از عنایت برخلاف شاه و مستبدین مشروطیتین را خیلی قوی دل ساخته است

افزود، و واضح است که طایفه خنکجویان هم درین موقع از خیالات خویش قائل نخواهند است

### ❦ اخبارات خارجه ❦

❦ دستة جہازات امریکا از (آلبان) بسمت (میلان) رهیار گردید

❦ تلگرافی از (عدن) رسیدہ افشاش (رود) زیاد می شود یک صاحب منصب دیگر انگلیس از (بارہ) فاصله ۲۲۰ میل سمت شرق دست قبائل (واسنگی) محروم شده است

❦ تلگرافی از (پترسبرگ) رسیدہ کہ وزیر علوم و معارف حکم داده شدہ کہ مانع از دخول دختران برای تحصیل در دارالعلوم شود ولی فعلاً آنچه مشغول اند تا آخر مدارج مآدون، تحصیل مستند

❦ حراستی در سر (لارڈ کرزن) پیدا شدہ فعلاً بہبودی حاصل نہ نموده است

❦ بموجب خواہش دولت (ملائد) آلمان وایتالی اطلاع یافته اند کہ ہر دولتی کہ در شورای نانوی ہیک شرکت داشته در سنہ (۱۹۰۹) برای شرکت در شورای حاضر شوند

❦ در (وادانی) اردوی فراسہ جماعت کثیری از ہمسہارا شکست داده این مقام رمت و آمد کاروانان است کہ در افریقای وسطی برده فروشی میکنند و اسلحہ بسرقرہ میبرند

❦ مخبر (روتر) خبر میدہد کہ دولت انگلیس شروط دولتین اسپانیا و فرانسہ را در خصوص مولی حفیظ در (مراکو) منظور نموده، دولت آلمان ہم آن شروط را قبول نموده است

❦ مخبر (روتر) خبر یافته کہ دولت برطانیہ مناقشہ بین ہندیان ترسوال و حکومت انجا را فور و دقت ملاحظہ می کند و محارہ بین حکومتین جاریہ است، دولت برطانیہ یقین دارد کہ حکومت ترسوال از روی اصراف و بی عرضی کارروائی خواهد نمود

❦ وقایع نگار (مارشنگ بست) از (شنکھائی) می نویسد کہ سفير آلمان مقيم (بيکبيلگ) در (تافو) کہ حکومت نشين (شاسی) است رفته تا با (دلایلاما) ملاقات نمایند

بدون تصرف اغیار باید انتظامات ملکی خود را بہ نمایند شاه در طهران غالب آمد و اعضای پارلمان، ولی در تبریز شالودہ مشروطیت بجدی محکم گردیدہ کہ هرکس را هواخواہ شاه تصور میکنند بقتل میرسانند، از بعض تلکرافات چنان معلوم می شود کہ تصرف خارجه علقرب لازم خواهد آمد تاکنون برای انگلیسان مقيم ايران هیچگونه خوف و هراسی نبود ولی اگر این گونه انقلاب و اختلال باقی ماند و تصرف در قواسلخات انگلیس بشود (سر اهوردگری) مجبور خواهد گردید کہ ملک خود را تغییر دہد

شاه قبل از وقت خیالات خود را با اطہار مسرت ظاهر داشته است کہ ایران را از کفار (یعنی مشروطہ خواہان) صاف نموده ولی هنوز واقعات تبریز و خونریزیهای آنجا و آخرین نتیجہ وی گویا براو منور است

### ❦ ایضاً ❦

اقدامات سفرای روس و انگلیس در خصوص انتخاب تازہ وکلای پارلمان بی سود ماند، شاه سہ ماہہ وعدہ انعقاد پارلمان داده بود ولی بوعده خویش وفا نہ نمود و در این مدت ہم کہ ایران تحت فرمان مطلقہ شاه بود جز اینکه بر افتشاشات مملکتی افزود از بہبودی و اصلاحات ملکی ظاہر نگردید بلکه تا امنی بواسطہ قشون شاه کہ کار خود را منحصر بہ نهب و غارت داشتہ بودند خیلی افزود، خصوصاً در تبریز کہ مال و جان خارجه در خطر عظیم می نماید و کاملاً جالب توجه دیپلماتهای عالم شدہ است

آیا برای انعقاد پارلمان جدید مدت زیاد بشاہ داده شدہ بود؟ فرض اگر حالا بوعده نانوی ہم معین شود آیا طرفین بہ ترضیہ خاطر قبول خواهند نمود؟ باید دید البتہ این نکته را باید بشاہ حالی کرد کہ اگر باز ہم بوعده ظہور وفا نہ نمود و یا بعد از انعقاد پارلمان باقی حلو اصلاحات تراشیدہ شد نباید تعجب کند کہ دولہای مربوطہ ایران در حفظ مال و جان رعایای خویش اقدامی نمایند

اخبارات تبریز و سایر جاہای دیگر ظاہر میدارد کہ مشروطیتین را بر مستبدین غلبہ پنه است، و اعلان مجلس پارلمان جدید خیلی بر قوت مشروطیتین خواهد

§ عدة صحیح مرضای واتی در ( پترسبرگ ) هفته گذشته ۱۴۵۰ بوده و ۲۰۰ هلاک شده اند

§ بروز ( مستر وولف ) باراده عبور از آبای صمس سساو بوده مقصود نائل بگردید در مقام ( کالی باژ ) اورا بح مرده بیرون آوردند

§ ملای ( سوماتی ) روئائل تابین انگلیس حمله برده بسیاری از رن و طهالشا را غتل رساییده سپس قشون انگلیسو آنها حمله رده وی را شکست داده - تلفات - دوج گلیسی بک فسر محروح و ۴ سرباز متول شده است

§ از حولانی الی حال ( ۳۰۰۰ ) قشون فراسه از ( کاسابلانکا ) مراحت کرده و ( ۳۰۰۰ ) هم در کتور واپس خواهند آمد ما بقی بتدریج همینکه پیشرفت در انتظام پلیس شود بار خواهند گشت

§ تلگرافی از ( اتاوا ) رسیده که اهالی چین مقیم ( کندا ) از ( مکینکو ) سندات جعلی حاصل کرده که تاخرند در ( کندا ) داخل می شوند ، تا که عوارض محینه شخصی را ملتزم نشود ، از این رو ( ۳۰۰۰۰ ) لیرا به حکومت نقصان وارد آمده

§ در بودجه روسیه ( ۲۴۷۶ ) مایون روپل دخل و ( ۲۲۷۳ ) مایون روپل طرح علم آمده

§ تلگرافی از ( بیکن ) رسیده که ( دلانی لاما ) از ( اواناثر ) سمت ( تنکچان ) می رود ، از آنجا از راه آمان به ( بیکن ) خواهد رفت

§ ادراغی بحری بری تمام بو آموران آسره وده ده کشتی موشت مدهد

§ تنگرو ( جوهاسبرگ ) رسیده که مسئله موت هندمانف مده اش غیر ممکن است خواهش م دیار بسبب که هر ساله ( ۶ ) هزار نظامی یافتگان آنها در قونست طب و نارسری وارد شود ، حکومت برسوال این خواهش را منظور میدارد

§ ( موشوریا ما ) وربر مختار دوات ژاپون مقیم لندن به بحر ( روتر ) اظهار داشته که اتحاد دولتین انگلیس و ژاپون برقی بسیار به مات ژاپون بحشید ، عده وی ایست که در ژاپون مسئله اشان تجارتی مکنی طی شده ، در حصرص منچوریا هم ژاپون مواهی پیش نخواهد نمود و در هر حصه مالک چین

هم بهین منوال کارروائی خواهد کرد

§ دولت آلمان در جواب دوات ( اسپانیا ) در خصوص تسلیم سلطنت ( مولی حفیظ ) مکتوبی دوستانه نوشته و خواهشات دولتین فراسه و اسپانیا را قبول نموده ، در پاریس چنین شهرت دارد که سایر دول متفق خواهند شد با فرانس و اسپانیا - دولت آلمان اظهار داشته که محارج جنگ فراسه و اسپانیا و خسارات قتل بدین نوع می باید وصول شود که مالیه ( مراکو ) تجارت رژی را تدارک نموده از آن راه وصول نمایند اسپانیا و فراسه معتقدند بر ایسکه عنوان خط دولت آلمان دوستانه و امیدوارند در هر مسئله متفق باشند

§ بسبب طوفان و طغیانی آب نقطه وسطی جزیره ( فلی بان ) خرق شده و بسیاری هم هلاک گردیده اند حالات مفصل آن نرسیده چرا که سیم تلگراف باره شده است

§ لارد ولیدی ( نارت کوت ) از استرلیا به جانب ژاپون حرکت نموده اند

§ مولی حفیظ در تمام مناط مراکو جز ( کاسابلانکا ) سلطان مشهر گردید

§ اخبار ( نورد زیتنگ ) تردید اخبار فراسه را می نماید که بوشت بود قوسل آلمان ( مسترهاروبل ) برای منزل مات مولی حفیظ حکه طرف دار فراسه را می نمود در تاجبور رفته این اخبار تهدید می نماید اخبار فراسه را که خواهشات دروغ نسبت به آلمان اشاعت میدهد

§ در سرحدات آلمان تدارک کامل دیده شده که مرض وبای روسیه در آلمان سرایت نکند

§ در رمعارف انگلیس استغفای خویش را پیش نموده اهالی را کتان این است که بسبب طرفداری از مقدمه ( موشیر البرنی ) این کار را کرده است

§ مولی حفیظ دول اروپا را اطلاع داده که بادشاه مراکو تسلیم شده و او مقر است در پایتخت بندگی عهدنامه حات برادرش

§ تلگرافی از تاجبیر اخبار استندرد رسیده که ( مسترهاروبو ) قوسل آلمان رسماً در ( فیض ) با مولی حفیظ ملاقات نمود ، و او را تبریک سلطنت گفته اطمینان کامل داده است که دولت آلمان برای قبولادن سلطنت وی مدد خواهد نمود



و جبل المتین کلکتہ

و کلا ذمہ دار ابوحنبلت مشترکین اند

و قیمت اشتراک

هدیکل کالج استریت نمبر ۴

( بدل ابوتہ اخبار پیشگی گرفته میشود )

سالانہ - - شش ماهہ

Hablul Matin Office  
4, Medical College St.,  
CALCUTTA.

نامہ مقدسہ

# المتین

و کلیہ امور اداره با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

و ہر دوشنبہ طبع

و شنبہ توزیع میشود

و ہر دو شنبہ

۱ رمضان ۱۳۲۶ ہجری

۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ

و ایران و افغانستان

۲۰ قرآن - ۲۵ قرآن

و عثمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

و اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

سنہ ۱۳۲۱

سواد دستخط مبارک حجج اسلامیہ

و نجف اشرف مدظلالہم بعلوم ایرانیان

( بسم اللہ الرحمن الرحیم )

خدمت عمومہ علمائے اعلام و قاطبہ مسلمان  
غیور ایران دام تأییدہم مددعیم

امروز توسط مکتوب مکتون معلوم شد جنہی  
است ایران در کمال اغتشاش و جہی از مسلمانان مقتول

و انجہ تلکراف باطراف نمودہ و قظلم کردہ اند نتیجہ  
ابتداء طاع از وصول و جلوگیری ہو - است - در

طالع اعلام میداریم ، تا محال بعضی حطت اس  
و بواسیس و امول شاہا آنچه باید و نشاید - آ -

تلکرافاً با شخص شاہ مخبرہ و مکاتب نمودہ و بدین  
و رہاں تواف دولت ایران و حفظ ممالک -

اسلامیہ را از استیفاء دشمنان برکجا ، مساعدت  
مراہی امامت مدلل داشتیم ، و از تصایح خیر خواہ

درو گدار نکردیم ، لکن بواسطہ خاطر چندہر معرس  
خود خواہ ابریکہ سلطنت تمام عہود و امان ہونست

خود حتی مہر کردن ظہر کلام اللہ شریف را بعضی  
قرآن مجید استخفاف و بسک دمہا و ہتک امر

و تہب اموال شد آنچه شد ،

باز ہم اگر غیرت مذدان ایران صبر و سکوت بگردانند  
شما قریب است کہ العباد باللہ تعالی مساحد سلام کیسہ

و روشہ منورہ حضرت تامن لائتہ صلوات اللہ ، سلام  
علیہ باہمال کفار خواہد شد ، ولا رانا اللہ تعالی دلک

عالمہذا عموم مسلمان ما غیرت خاصہ عشائر و ایلات  
تمام ممالک محروسہ و سرکردگان لشکری و فزاق و

فواج کہ ہمارہ حاس و حاسی ملت ہونہ ، بدانند کہ  
حد و جہد در استیقام امامی قوم شطرت کہ مبنای

ان سر معروف و نہی از منکر در رفع ظلم و شام  
عدل و حفظ دین و دواہ اسلام تان متوفات است بمنزلہ

جہاد در رکاب امام زمان صلوات اللہ و سلام علیہ و  
اطاعت حکم بر اتلاف فوس عزیزتہ مسلمان مثل

اطاعت ( بزیدین معاویہ ) است  
تلکرافات عہدہ ہم واسا توسط ہم قصر بلاد

عمودہ ایم و کان مداریم برسد  
محل المرحوم الحاج میرزا خلیل قدس سرہ

الاحدر محمد کالم الخراسانی  
لاحہر عباد اللہ لالارد رنی

تدا و تواعلی البر و التقوی

( قائد توحہ ایرانیان غیور خارخہ )

ک الخ رجہار ماہ است از تلکرافات ( رہر  
و غیرہ معلوم نمودہ اند کہ یک روز ہم در تبریز باراد

ورکان بار بیودہ ، و ہارہ اہالی غیور این شہر دجا  
قل و اسرو سہب ہودہ اند ، خلتہ بیست از ایشان

دست قات بر او درو بندہ اند ، خانوادہ از آم  
سرخ ، ہم کہ تمام جوانان سر و قد کلمدار خواست

مشقتہ باشد ،  
مدلت غیر فندان آذربایجان درین ہمہ مصائب

بار ثبات ناگزیدہ ، سینہ های بر کبہ خود را ہدف  
کلا لہ حاجیے توب دشمنان عدالت و اصاف ساخته

حقوق ملیہ و مشروطیت مشروعتہ شاہ را حد و  
حراست می نمایند

ہر صاحب وحدان میداند اگر آریا بجان ما سبہ  
ہای خود ہر بلا بای تمام ملت ایرانیہ نمی نمودند تا کتور

اسم شہر طابت و حدت ق طابت و حریت مشروع از  
ایران بر افتادہ بود ، مجدداً اعلان غلب و کلاہ پارلمان

از دکتہ ای امامت غیر راہہ و حاجت فشاہیہای دین بر ستائہ

هالی غیور آذربایجان است ، و من بعد هم هر پایه از  
 حریت را که اهالی ایران دارا شود از صدها معاهدات  
 هالی آن حاکم غرور جز خواهد بود .  
 احصایات هالی آذربایجان بر مردم سار صومعات  
 بران اهم از داخله و خارجه نه چیز است که نتوان فراموش  
 نمود ، و حقیق آن برادران غیور بر ما ایرانیان به حق  
 است که نتوان از او چشم پوشید  
 درین صورت آیا هیچ تصور میکنید عسرت و  
 یکی جوانان غیوریکه سینه های خود را هدف گلوله توپ  
 و تفنگ ساخته اند ؟

آیا بحال می آورید حال ایتام و ارمال شهیدیکه  
 در راه حقوق ملیت ما از سر بازی در بیخوده و اینک  
 مانند حوچکار از گرسنگی و رهسنگی بر خود می لرزد ؟  
 آیا بحال می آورید حال فقرای بی صاعه و بی توانی  
 به اطراف شان را در شب غدار خونخوار احاطه  
 کرده راه دست آوردن آب و نان را بر آنها بسته  
 و مانند تکرک بر ایشان گلوله مرگ می بارند و  
 معذرت آن حافظان حقوق ملیه از همه چیز گذشته  
 مانت گرانمای مان ما را تسلیم قارتکران حقوق  
 ما شناسی بی دیانت می نمایند

هیچکجا شد نوع برستی ما ؟ چه شد اسلام خواهی  
 و برادر نواری ما ؟ آیا مهمتر ازین موقی برای همراهی  
 و احسان نوعی به برادران غیور وطن خود پیدا خواهیم  
 کرد ؟ آیا توان ازین عظیم تر ، احصای فضل تر ازین  
 راه تصور توان نمود ، پس است برای سر مشق ما که  
 طلاب غیور ما دیانت مشروطه چه راه محض اشرف انجمن  
 شده دفتر طاه باز و برای پرورش ایتم و ارمال شهیدای  
 آذربایجان از فروش کتاب و لباسهای خود در بیخ می نمایند ،  
 ما لایحج که هنوز محترمین و متمولین عالمه و کسبه  
 و مزدورن ما در خارجه از منافع و فضائل اینگونه  
 حسابات و ترعات بوجه قابل ملاحظه ؟ چندر مورث  
 شرم و خجالت و روزی حسی برای ما است که برای عاقه  
 برادران ما به ، دان روس ، فرنگیان امریکا آرد و گندم  
 حسان ، ده و خودمان هیچ مانها تأسی نه نمودیم ، آفرین  
 بر ایرانیان اسلامبول و قفقاز و رمیر و غیره که درین  
 میدان گوی سبقت را از سار واداران خود ربودند  
 انجمن سعادت اسلامبول را به همین مقصد و حفظ  
 حقوق نامه قائم شده ، و در یادگوه نیز کمیته تشکیل  
 یافته که درین راه خبر اقدام نمایند ، در کلکته نیز هیئت  
 ریاست فیس حساب حاجی میرزا مهدی اصفهانی و  
 بفرن قائم شده و اولین مجلس بصد لیرا جمع گردید  
 که من بعد شرح آرا خواهیم نگاشت ، امیدواریم در  
 عیبی و رنگون و سایر مقاماتیکه ایرانیان مقیم هستند  
 تأسی بسایر برادران خود جسته دفتر طاه بار نموده  
 تأیید کنند باز ماندگان شهیدای غیور وطن عزیز خود را ،

طریق رسانیدن وسه را در شهرهای گذشته  
 نوشته اینک نیز تجدید می نمایم اگر وجه کلی باشد در  
 هندوستان میتوانست توسط (هنگانگ سنگان بنک) که  
 وکالت امپریل بنک ایران را دارد و شاخشی در تبریز  
 هست رسانیده که تلگرافاً بانجمن ایالتی آذربایجان  
 رسانند و رسید بگیرند ، و در سار بلاد خارجه هم  
 لابد بنکی که با یکی از بنکهای که شاخشی در تبریز باشد  
 موجود هست بهمان طریق میتواند برساند ، و اگر  
 هم نخواهند توسط بنک ارسال دارند در هندوستان  
 با فیس حساب حاجی میرزا مهدی اصفهانی و پسران در کلکته  
 و مدراس رجوع نموده و در خاک عثمانی بانجمن سعادت  
 ایرانیان اسلامبول رسانند ، اما در قفقاز و ترکستان و  
 ماورای بحر خزر بهتر از ما راه ایصالش را میداند

ای ایرانیان غیور لندن و امریکا و فرانس و چین  
 و ژاپون و آلمان و بازیک و هلاند و بلقار و غیره ای  
 شاگردان ایرانی مدارس اروپا که برای حسن استقبال  
 وطن عزیز خود مشغول تحصیل هستید ، وقت حمت و  
 حیت است ، وقت مردانگی و غیرت است ، ای هواداران  
 جبل المین که همواره این اداره ملیه بنوع برستی و وطن  
 شناسی آن فخر میکنند ، روی سخن با شاست چشم امید  
 بشما دوخته ایم که بهر وسیله توانید کم یابیش به باز ماندگان  
 شهیدای راه حریت وطن خود همراهی و اطه نمایند

این اطاه ربطی فتح و شکست آذربایجان  
 ندارد ، مربوط مشروطیت و عدم مشروطیت ایران  
 نیست ، چه در هیچ حالت شهیدای وطن دوباره زندگی  
 از سر نخواهند گرفت ، که باز ماندگان خود را برستاری  
 کنند ، برستاری آنها با همراهی ملت است که باید بطریق  
 اطاه از داخل و خارج صورت بندد و هر طاه که در  
 این راه جمع و فرستاده شود اهم بر شخصی و یا نوعی  
 کم یا زیاد هرگاه با اداره جبل المین اطلاع داده شود باسم  
 و رسم درج خواهیم نمود  
 ( حمت بخورد بیشتر لا ویم را )

در یاد داشت مقصد المضمونی است

که از ولایات مفصله ذیل بانجمن ایالتی  
 ، آذربایجان پیش نهاد شده است

خراسان ، سزواری ، نیشابور ، سمنان ، دامغان ،  
 طهران ، قم ، قزوین ، رشت ، ازلو ، خوی ، سلماس ،  
 ارومیه ، کاشان ، اصفهان ، کرمان ، شیراز ، یزد



اداره استبداد ابواب مختاریت را بروی ما بسته  
 آزادی حقوق را از ما سلب نموده ، بتازگی در هر  
 محل اوراقی چند جعل می نمایند این عنوان که اهالی از  
 خواهنش مشروطیت محض همین نموده ، و استقلال  
 سلطنت مستبده را خواستارند

مسلم است که حمل اسبکوه اوراق را يك نكته مهم در كار است كه بدون وسيله رحمت آن برادران وطني را هدر داده و بر اين اوراق حمل رسميت بار آورده تعرضات ملل و دول متمده ظلم را جوگيري نماند عجايب آزادي حقوق كه در عداد قواي ظاهري كه با خلقت اوليه نوع بشر را وديعه الهي است سرآمد بر تمام و نحو ترقيتات شر را اين لطيفه دار مدار خواهد بود چگونه ميتوان مسلوب داشت

در ظلم احتياج جناحه ايشان را با كور و مشروب و ملبوس و مسكون احتياج است به رب بالاتر محتاج ما آزادي مشروعی اند كه قواي خود را بكار انداخته نقطه خياليه خویش را نوسه بخشند

آيا ممكن است طعن بر حوار ر شير امتناع ورزد؟  
ما رهنه از لباس پرهيزد؟ حاشا و كلا

باجار برادران گرامي بن سگوب و حوشي مارا برهان فراموشي ما به بيدارند ، ما برادران آذربايجاني و انجمن اياتي آذربايجان را كه امروزه قائم مقام دارالتوراي ملي است از حال خود مي گاهيم ، كه سلاسل استبداد از چهار طرف ما را مغلول ساخته احتياطات ملي ولو در مساجد يا در مجالس سوگواري از ما سب گردیده ، در كايه امور قانون بياكوف روسي بر ما فرمان رواست ، برخي از آخوند هاي مفت حوار را بول دولت طرفدار استبداد ساخته ، چون انجمن روسي نداريم تاچار عشايد خود مان را مان انجمن مقدس تقديم مبداريم تا بهر وسيله كه مبدانند به نمانندگان ملل و دول تقديم و حقوق حقه ما از آلاء ياره شهادت مصون ماند مذهب ما تشيع و بيروي ما از دين حنيف اسلام است ، گذشته از اينكه عدل و وحدان مارا بحجاب مشروطيت سوق داده ، زروي شرع مقدس اسلام هم مشروطيت را مرفق با مذهب خود مبداج ، و از زوي ديانت حقه اسلاميه استبداد را مخالف با شريعت و بيروي از احكام و برا حرام ميشماريم

ما ايرانيان اگر چه تابع هايي بط خود هستيم ، ولي ثابت ما به آنها عارضی و بواسطه توثيق است كه از طرف رؤساي حقيقي ما يعني حجيج عتبات طالبات در دست دارند و مروج احكام و فتاوي آن بزرگوارانند

امروز تقليد ما بطور عموم از حضرات آياته في العالمين آقاى حاجي ميرزا حسين حاجي ميرزا خليل ، و آقاى آخوند ملا محمد كاظم خراساني ، و آقاى آقا شيخ عبداقه مازدراني است ، هر چه از محضر مقدس اين سه بزرگوار صادر گردد بيروي از احكام مقدسه آنان فرض دمه است ، احكام مقدسه اين بزرگواران فقط زود ما متبع است ولا غير ، از ان سه بزرگوار در

حس يا خدي نحو سنه در قبح مشروطيت هر حكم صادر شود متبع است ، و از غير ايشان درين موضوع هر چه صادر آيد بهر چه مبدرون ما خواهد داده و صريحاً ميگويم تمام انتظارات ما اتمام آن بزرگواران است غير از اين بزرگواران هر گاه فنا يا قده تقريرا با تحرير چه در داخله و چه در خارجه اقدامي نام ما شود از درجه اعتبار ساقط است و بوكالت ما به سبب تناخته آيد از انجمن اياتي آذربايجان تمنا داريم كه سواد اين ياد داشت را بحضور حجيج اسلاميه تلامه نجف اشرف و اداره حبل للدين كلكته و ساير هيئات ايرانيان خارجه در اسلامبول و لندن و پاریس و ساير نقاط ارسال دارند تا بواسيله مننصبه بجمع ما بسدگن ملل و پارلمان هاي دول رسماً رسايدند ترجمه آن را در حرايد معتبره درج و اشتباه كار بهاي مستبدان را ابطال نمايند

تلكراف حجيج اسلاميه نجف اشرف

• مد ظلالهم بايرانيان اسلامبول •

( عموم ايرانيان )

بموجب نظايات واسطه از ابرار عاي معدلت و مشروطيت در صدد برآمده كه در رفع بد از حقوق مايه و ابطال مشروطيت رسليه از بعضي افراد مات مظلومه بالمجبوريه سند نگيرند ، و جماعتی را با كمال شدت بر اين امر كاشته اند ، لهذا اين خدام مذهب حنفری كه رؤساء روحاني ملت ايران و قاطبه حنفری مذهبيم لازم است كه مجبورييت و مظلوميت مات ايراني بجمع دول معظمه و پارلمانهاي محترمه نظايات اعلام و احقاق حقوق آن مات مظلومه را از تمام اعصاي طام تمدن و اساييت خواهيم ، و بموجب اين تلكراف از برادران محترم را رحمت مبداهيم كه اشاهقه تعالى شرح اين تظلم را بطوريكه بايد بدوانت عايله عثمانی و عيس سلايك و مجمع دول معظمه و پارلمانهاي محترمه ، اعضاي عالم انديت برآيد ، و چگونه را اعلام نمايند ( رؤساي مذهب حنفری علماء نجف اشرف )

- عدهقه المازدراني
- محمد كاظم الخراساني
- محمد حسين طهراني

• ايضاً •

تلكراف حضرات حجيج الاسلام

( نجف اشرف مطابق ۱۲ شعبان )

• بايرانيان مبينين اسلامبول •

تلكراف ذيل را اوراق عبده دولتي از تلكرافخانه گفته محمه قنط ايران رسانند

عموم راداران غیور آذربایجان و سایر بلاد ایران دامت تأییداتهم - حجة الاسلام آقای حاجی سیدعلی آقای تبریزی با جماعتی از مستبدین حوزه علمیه ری اطفای نایره فساد و اصلاح ذات البین و اتحاد کلمه اسلامی و احقاق حقوق مات مظلومه و حفظ بومیس و امراض و اموال مسلمین متوجه ایران

احترام آقبان معظم الیهم و اجرای مقاصد و اطاعت فرمایشات ایشان از هر حقه بر قاطبه مسلمانین واجب و لازم است (سأله - بیجاہ و تعالی لب یوفدکم جیباً انصره الذین التحریر عن مہونہ العالین)

عبدالله ماہدراہی - محمد کالم خراسانی -

الاحقر نجیل المیرزا خلیل طهرانی

**تکرافات روتر راجع به ایران**

(۳ رمضان - ۲۹ اکتوبر)

موجب تلگرافیک از تبریز و پترزبورگ رسیده است روز متوالی قشون دولت در اهدام شهرپوش برده با شایک توپ حملہ می نمودند . ولی هیچ نتیجہ از حملات - رورہ شان طامہ نگردید ، و این نکته عدم قابلیت قشون دولتی را ثابت می نماید . هر دو طرف یعنی ملت و دولت قونسل روس را برای اصلاح ذات البین ثالث قرار داده اند ( انا لله و انا الیه راجعون ) موجب تلگرافیک از اسلامبول رسیده فقط پنج ( پتان ) قشون عثمانی در - رحمت داخلہ ایران باقی مانده ماقی و سرحدات خود عثمانی عودت نموده اند ( ۳ رمضان - اول اکتوبر )

بر حسب تلگرافیک از تبریز بلندن رسیده حملہ بر شهر تبریز بطریق عام ( یعنی از چهار طرف ) مجدداً شروع شده ، خط و غلای مزید بر برلشانی اهالی گردیده است

بإل التین

از آغاز حادثات کنونی ایران واضح گردیده است که حرکات شاه تمام ارروی متوجه است که روسها او پیش نهاد کرده و همه قسم او را سر می نمایند میکنند ، حکمت عملی قونسل روس در تبریز و حیثیای سری و علنی او از مستبدین و راه مان برحم خان و فتنک دادن قشون دولت که تمام از تکرافات ثابت گردیده خیالات روسیان را درباره بر ایران بخون آبت مینماید هر وقت کار را بر قشون دولت و مستبدین - صفت دیده خودی در میان انداخته باسم اصلاح ذات البین فرجه برای آنها تحصیل کرده و ضمناً هر گونه تأییدیکه نوشته آنها رسانیده است این نوت نیز مبادت جیکری او بملاحظه همین نکته بوده است ، و آذربایجان غیور با دانش هم محض اینکه حفاظت خود را بر جمیع علم ثابت نمایند با اینکه خدمه و فریب قونسل روس را بارها دیده و دانسته اند

کرده آنانت نیز در اظهار سلم جونی فروگذاری نه نه ده ، و هماره سلامت خواهی و حق یسندی خود را بر علیان طاهر داشته اند

بلی روسها تمام توجه خود را درین نکته قانونی معطوف داشته اند که شاه را بر تمام مشروطیتین غالب جلوه دهند ، چه گر مشروطیتین غالب آیند و یا حصه از آنها مطلوب نشوند شاه را بدون رضایت ملت مجال تصرف در قانون سخامات نخواهد بود ، ولی گ و تمام مشروطیتین شاه ولو ظاهری باشد فایده جست هر گونه نصرفی نخواهد در اصول سخامات خواهد نمود ، چه

اعداد انخاب جدید وکلای پارلمان فقط رای امضایک استعراض منگمقی است که نشاند . ر روس و انگلیس توام بشود ، و تمام شرایطش که منجملاً تسلیم مایه ایران به نمایندگان مخصوص روس و انگلیس است قبول نموده چیزیکه باقی مانده امضای ملت است ، و این امر وقتی صورت بندد که شاه نتواند هر گونه نصرفی در اصول سخامات وکلا بکند ، و وکلا را تمام یا قالب را از مستبدین و طرفداران خویش منتخب نماید ، در صورتی مانل باقی امر توند گردید که غلبه نامه بر اهالی آذربایجان حاصل نماید ، ورنه اگر ماصول اوایه وکلا انخاب شوند هرگز این گونه استعراض که بالصراحه مملکت فروشی است ن در نخواهند داد ، این است که نمایندگان روس خاصه در تبریز بدست و بایند ، و نمایندگان انگلیس هم با اینکه برخلاف مصلحت علناً تصرفات روس را در امور داخله معاینه می نمایند صم حکم داشته اند ، چه اگر این استقراس نشود تسببات ایران از قول فعل نخواهد پیوست ، و معاهده دولتین از مجاز بحقیقت روی خواهد نمود یعنی عذر موجه بدست نخواهد بود مخفی باشد که فرض اصلی از امضای پارلمان جدید ایران فقط امضای استعراض است روس ، همیشه شروط استقرض بصحة وکلای مجلس رسید و یک بول و افری دست مستبدین آمد همان آن با قوت تمام مجلس را بهم زده با همان قوتیکه از وجود استراضی حاصل خواهند نمود اسم مشروطیت را از ایران کم خواهند کرد

امروز هم که شاه راضی باین انخاب شده فقط برای پیشرفت همان مقصود کمون است ، و گرمی توانسته بدون امضای مجلس یولی بدست آورد و قوی در مقابل مشروطیتین حاصل کنند هرگز دوباره زیر این بار عبرت عجیباً هنوز هم ما ایرانیان فائل چشم داشتیم بیسایگی گری خارجیان داریم ؟ و قتی که از همه طرف ابواب جلوه بر ایرانیان مسدود شود چیزیکه تا بک ادازه آنها را جلب خواهد کرد توجه بتانی و آلمان خواهد بود ، و آنوقت یکده پلنیک ایران تغییر

خلاصی اوراق موکول بقدا کاری

ایرانیان است

نقل از روزنامه شریفه عدن

شما برادران وطنی ما با حس دقیق و نظر عمیقی که بالورته از پیشانیان خود یادگار دارید همگی میدیدید که وطن مقدس ما ایران در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه مخصوصاً در چه مهلکه و مخاطره اقراضی اقتصاد و بجه سوانح غیر قابل التحصیل دچار گردید نفوذ نجاران و پلنگی مسایکنگان بیاه و مایه رسید که حرفت وصمت را یکباره از مملکت ما برانداخت و یکسره طارا اسیر کند احتیاج خود ساخت ا نفوذ ورزینه آلات ما مبدل بمشق کاغد و ثروت بیابان ما بهبهای احناس پست رفت ا

دوات و سلطنت ما بیک هبوط اقراضی تنزل نمود که جز یک اسم بی رسم چیزی باقی ماند ا اساس عدل نهدم و بنیان ظلم استحکام پذیرفت حقوق مشروعه ملت پایال هوی و هوس جهی اوباش و ارادل و ناموس دولت دستخوش اقراض درباریان کشت اداره یک مملکت بزرگ بفلط کاری و هواجس قسانی چند تن بی سرو پا چندان دچار اختلال گردید که مال ادیشان با سیاست را جز اضمحلال ما چیزی بمخاطر نپرسید لیکن از آنجائیکه مثبت ازلی بر اجری این امر تملق نیافت ، منشور اضمحلال آنرا امضا فرموده بود هاتف غیبی یک مرتبه خفتگان بستر غفلت و ککشتگان وادی حیرت را بیدار و بافتتاح مجلس شورای ملی هدایت و راهنای نمود

مشروطیت شما چنان ولوله در آفاق امداحت که انظار بیگانگان را بشما متوجه ساخت

مخاطرات اقراضی مرفوع و ابران با یک سرعت فوق العاده در جاده ترقی افتاد

خورشید سعادت ایرانیان طالع و تبرکی نکبت و ذلت زایل گردید

لیکن افسوس که تابش این خورشید اقبال را غاسله کمتر زمانی یک لکه ابر موحشی حایل گردید که افق پیشرفت ایرانیان را تاریک و هزاران درجه بدر از اول مخاطرات اقراضی و مقویات اضمحلالی را نزدیک ساخت

جلوس محمد علی میرزا بر تخت سلطنت جناب

سد سبیدی بود در جلو پیشرفت مشروطیت که قهای مجلس شورا در عرض این مدت هم سود مگر بواسطه مسلک صالح طلبانه که ملت اتحاد کرده و این دردانه تازه مولود را با هزاران مشقت محارست مینمود ا مجلس شورای ملی که زیاده از یک سال و ده ماه بیدار نماید گذشته از مواع اولیه که بواسطه عدم تهیه اسباب و حضور وکلا ولایات در جلو داشت در هر مرحله از مراحل سیر خود بمشکلات و عوایق دچار میشد که جز مدافعه ا خصم و رفع مواع کاری از او ساخته بود و کمتر فرصت و فراغی حاصل مینمود ا بر طایف اصلیه خود که وضع قوانین باشد اقدام نماید یک جوان مصروع بجهول الحالی که در دایره استبداد لطف ما پشا شو و هو یافته و ر برای چنین روزی که بر اریکه سلطنت یک مملکت بزرگ جلوس نماید درهقر خود حیالات خام بخته هرگز تن در نمیداد که در حلو تعدیات و تجاوزات او سدی بسته برای رحم زور یک مجلس شورائی که ما یک هنرم راسخی برجم لوی عدالت را برقرار حقوق مشروعه ملت افرشته و بامتن درجه مواظبت محارست مینمود ارتشیت و همک هیچ گوه وسیله که احتمال انتفاع را در آن مبداد فروگذار نکرد و انواع حیل و تدابیر را در برهم ردیف این اساس بکار برد

آیا میتوان انکار ورزید که بواسطه انقلابات و اقتشاشاتی که محمد علی میرزا بجهریک خود در اطراف فراهم میساخت و با توقمانی که ملت با عدم اقتدار از مجلس شورا داشت و با اینکه دولت در پیشرفت مقاصد ملی قدمی بموافقت بر میداشت مجلس شور ر جز مدافعه کاری ساخته بود ؟

لیکن ما خود این همه مانع و طایق مجلس شورای ملی در عرض این مدت نصیر پیشرفت کلی حاصل نمود و کارهای بزرگ صورت داد

قطع نیول که از حیز تصور هر ایرانی خارج بود که این لقمه لذیذ مضم شده را میتوان از معده جهی صحت حواری بیرون کشیده و بمصارف لایمه مملکت رسانیده مجلس شورا با آنچه مدافعات انجمن داد

گذشته از قوانین انتظامی مجلس و نظامنامه های انجمنهای ایالتی و ولایتی چندین نظامنامه مفصلی که از

آنچه بود قانون و رارت داخله و تعدید حدود حکام ولایات و طامنامه مله و قانون اطیاطت و غیره وضع نمود قانون اساسی که سرشست سعادت و سند ملیت بود با رعایت اهم دقائق و نکات از اثرات حیثیات مجلس شورا بود

آرادی مجامع و مکاتب و مطابع و جراید را مجلس شورا در همین مدت قلیل برقرار داشت روحه مملکت که چندین سکرور طرح ر دخل شاه بود موافق ساخت

حقوق و جا و مستمریات من غیر استحقاق را حکم بقطع داد فروع مالیاتی و احتیاطات وارده بر ملت را مجلس شورا حلوگیری نمود

امتداد خطوط راه آهن که اولین مقدمه آبادی مملکت و توسعه تجارت و تکثیر صناعت و ترویج فلاحت و موجب آسایش ملت بود در صدد برآمده و در این زمینه با مواضع موجوده ترتیب کار میداد

آیا ارباب اصناف عدم احرای قوانین موضوعه را از تصور مجلس شورا خواهند پنداشت ؟

آیا اختلالات حسی که دولت در مقابل پیشرفت مقاصد مشروعه مجلس شورای ملی فراهم میساخت و در هر قدم هزاران مانع و طایق در حلقو مینداخت میتوان اغماض نمود

ملت منصف ایران خاصه طبقه ضعیف و رعیت ریح بر کل کار هرگز اصناف را از دست نخواهند داد که مجلس شورای ملی تا چه حد دفع ظلم از آنها عموده راه تصدی و احیای مستندین و حکام را مسدود ساخت ؟ مگر مات با طعات برن هرگز در آموزش خواهد کرد که تا دیروز در مثال هوی و موس های رحال دوات که تپاه شون و اعتسارات خود را در خوردن سون مات و حاصل رحمت مشق ریح بر میداشتند مدت دارای هیچگونه حقی نبود و از برای عصمت و آموس مدت هیچ مانع و مانعائی یافت میشد دولت با خیالات خود سره هر ظلم و اجحافی را که مبعوضت در باره ملت محری میداشت

مگر مات با دوات ایران ترقیبات انکار ناپذیر بر مال را می بند که بواسطه اتصال و اشتراك قوای ملی و احرای عدل و داد فضای علم را روشن ساخت

و ما را غلت و جهالت تا چه درجه ذات و نکبت انداخته البته ملت با محبت ایران حقوق مشروعه خود را شناخت و باسترداد آنها مایل خواهد گردید ولی پیشرفت مقاصد عمده در دنیا موکول و موقوف بیک جنبش قدا کارانه است

ای ملت مظلوم ایران ( استخلاص ایران موکول قدا کاری ایرانیان است ) آخرین ایام نوائی شما امروز است که اگر اندک غفلت ورزید یکباره رشته ملیت شما از هم گسست و اسم شما در عداد ملل و دول مضحله ثبت خواهد شد

مجلس شورایی ملی از بدایت اقتتاح در مقابل خیالات قاسمه محمد علی میرزا چندانکه ممکن بود در حفظ و وقایه حقوق ملیت شما عمالت و صلح جون گذراید طاقت برای المین دیدید که حوائف مصروع باسترداد حقوق شما تی در نداده و با فبیح ترین وصی مجلس شورای ملی را منهدم حقوق مشروعه شما با پمال رؤسای روحانی شما را گرفتار مسجد و معبد شما را بتعرضات صاحبمنصب روسی واگذار فدائیان شما را جوی مقتول دسته محبوس مشق مطرود داشت يك مملکت اسلامی و يك ملت مسلمان را دست چند نفر صاحبمنصب روسی سپرد

ای ملت ایران جوان مرتد اقتصادات شش هزار ساله شما را بر باد و اقبال شما را مبدل بادبار ساخت گیم حس وطن برستی در شما نیست مگر مسلمان را هم بدرود گفته اید

حجج اسلام عنبات طالبات بموجب احکام مقدمه فوق جهاد با این مرتد را واجب و حفظ اساس قوم مشروطیت را فرض شمرده اند تا جلا خود هم با ایران حرکت خواهند نمود

دول و ملل عالم مظلومیت شما را اقرار هواخواهان اسانیت ما شما هم درد دست تعرض اجانب از وطن شما مقطوع فتوحات محامدین غیور آذربایجان یا مشروطیت را در هفتمین طبقه زمین استوار دیگر چه جای درنگ است مطابق قانون اساسی امور سلطنت ایران را حز مسلمان متکفل نتواند بود اینک بموجب احکام حجج عنبات محمد علی میرزا از طریق حلقه بی نصیب لزجره مسلمانان خارج همت کنید حیث ایران دارید

این لکه تنگ را از تاریخ آتیه ایران مرتفع سازید  
 ملت خبور آذربایجان که حدایشان مؤبد و منصور  
 دارد غیرت و همت را بشما آموختند جباه متجاوز از  
 سه ماه است نخورد و خواب بر خود حرام کرده سرها  
 در کف دست نهاده علم اسلامیت را روسی نازه بخشیدند  
 شام تا وقت باقی است فرصت را غنیمت شاربید  
 برادران آذربایجان را اقدامات خود معاونت نماید  
 فریب نوید های ممداراه این جوان مرید را نخورید  
 اینک که خود را از چهار طرف مطلوب دیده  
 لا علاج اعلان افتتاح مجلس شورا داده است ولی  
 ملت ایران باید فراموش نماید که این همان خداری است  
 که هرگز با بست سیدج عقیده خود کراراً مختلف از  
 قول و نوشته خود کرده برخلاف قسم های مفاظه  
 رفتار قرآنی که طهارت را محبور داشته بود دست خود  
 سوزانید  
 دیگر ما چه اطمینان ملت ایران بدو بچین کافر  
 صندی اعتماد تواند نمود این اعلان انجمن که این  
 ایام داده است خود یکی از نیرنگهای است که مخصوصاً  
 بدو دستور العمل داده اند  
 در عرض این مدت اقداماتی که برای استقراض از  
 خارجه نمود بواسطه نبودن مجلس شورا و لزوم امضا  
 نمایندگان ملت تماماً بی نتیجه ماند  
 و حومی که برهن گذاردن جواهرات دولتی بدست  
 آورده بود تماماً مصروف ربحن حق خود برادران شما شد  
 اقساط فرض روس که بابتی پرداخته شود در این  
 حبس و بیس عقب مانده  
 امروزه مجبور است صکته صورتاً مجلس شورای  
 تشکیل داده اولاً رفع تعرضات دول را از خود بیاورد  
 ثانیاً استقراضی که مجبور بآن است انجام دهد  
 ملت ایران باید بخوبی بداند که اگر بی سلطنت  
 او داده و قبول امر او را نمودد یک مرتبه اسلام از  
 ایران رخت خواهد بست  
 تاکنون که این جوان مرید صورتاً خود را  
 مسلمان میگفت و با احکام صحیح اسلام وفقی میگذاشت  
 هر واقع تمام خوف را از آن موالیان داشت ملاحظه  
 گردید که چگونه رفتار کرد  
 ایجاد بقیه اگر ملت را در اطاعت او امر دوسای

روحانی خود اندکی است بند این مرتبه پرور خواهد  
 داد آنچه را تاکنون لفظاً انکار داشته  
 محمد علی میرزا را از این اعلان انتخاب حز انجام  
 قرضه جدید منظوری نیست  
 بطور حتم اول امری که مجلس شورا پیش نهاد  
 خواهد شد امضای همین قرض است  
 این قرض هم مسأله مبلغ هنگفتی خواهد بود انجام  
 این استقراض همان و مجدداً بر هم زدن اساس  
 مشروطیت همان  
 تاکنون که بابتی جواهرات دولتی را رهن بگذارد  
 و تحصیل وجه نماید طهارت مالی و تلفات جانی ملت  
 از حد گذشت چنانچه وجه معتناهی بدست آورد قتل  
 عام خواهد کرد  
 ملت ایران امروز باید با تمام قوا استقامت نموده جز  
 طمع محمد علی میرزا از سلطنت خدایی بخاطر حظور دهد  
 در دولت و سلطنت مشروطه ملت بدون امضای  
 نمایندگان خود دیناری بدولت دادن نیست  
 هیچیک از دول هم بدون امضای نمایندگان آن  
 ملت معاهده یا قرار دادی با آن دولت نتواند بست  
 موقع بهتر از امروز برای تحصیل سعادت ابدی  
 اوزان فراهم نخواهد شد دول همجوار بیطرفی خود را  
 بامور دغلاها اعلان داد. اگر تا امروز خوف تعرض  
 روس نماند بلیس میرفت امروز مخصوصاً بواسطه مواظبت  
 سایر ملل و دول متقدمه این خوف بکلی از شما مرتفع  
 است  
 اداره داخلی شما موقوف با مدارات ملی شما است  
 تا مطابق قوانین امروزه جامعه حکومت را موردوف  
 اندام خود تهیه نماید  
 قانون مقدس اسلام حاکم است که مرید بر مسلمانان  
 سلطنت نتواند داشت  
 موافق قانون اساسی مملکتی و عقیده ملای جز خلع  
 این جوان مرید از سلطنت و مجزات قانون و هیچ  
 چاره نیست  
 دل قوی دارید که کمک و معاونت شما از اطراف  
 خواهد رسید  
 ادارات حکومت محلی را ضبط برادران قشوی  
 مطهر را با خود موافق لوائ اسلام را بر دوش صاحب

شریعت را از خود سرور و وطن را از تصرف اجاب  
خلاص نخت و تاج کبابی را از لوت و خود محمد علی  
میرزا باک و خود را در میان ملل حبه سرفراز فرمائید  
فدائیان متواری شما را در اطراف اندکی از انجام  
خدمت فراغت نه و با اقدامات وطن پرستانه شما گوتش  
زنگ و چشم در انتظار است

(مدبرالممالک هنرندی)

### نکارش یکی از اوباب غیرت

کاش از مادر نبردیم و وطن را در این حال بر  
ملال عیدیدیم سفینایان آخر باعث اضمحلال ملک  
سازانیان شد و یکمشت مستبد و دین یکمات عیب  
شش هزار ساله را با پمال کردند با اعتقاد بنده تمامی اینها از  
جهالت شاه و وزراء و وکلای و علماء سوء و ملت پیش  
آمده است شاه جاهل است زیرا عوض اینکه ملت  
خود را فرزندان حقیقی بنده داشته ایران را کلستان نماید و  
خودش میگردوی آسیای وسطی گردد خود را نوکر  
نیکلای دوم امپراطور روس مینماید و ملت و هموم عالم  
را از خود متفر میسازد

وزراء جاهل هستند برای اینکه اگر ملت از جان  
و دل بصدقات خدمت می نمودند این مصائب و فجایع  
پیش می آمد و چون حالیه در ایران آدم نداشتیم آنها  
باز در سر کارها می ماندند و جان و مالشان در املیت  
بود ولی حالیه ملت یکی از آنها را باقی خواهد گذاشت  
و نه بشاه اطمنشان می تواند بکنند زیرا که در همین  
ایران چه قدر صدر اعظم و وزراء بپیل امر شاه ها  
کشته گردیده اند

وکلای مجلس جاهل بودند برای اینکه بفریاد دانایان  
ملت و نصایح عقلاالذات فرمودند و مانع را وقتیکه قدرت  
داشتند رفع نکردند بنده از آنها سوال میکنم بطور  
میشود که شاه این قدر تشویش بطهران جمع مینمود  
شما را بی اطلاع در محاسن از تجدید کفترات معلم فلاحیت  
بعبت می گردید و علاج فائله را قبل از وقوع نمی نمودید  
و اگر نمیدانستید چرا با امور مملکت نظارت نمی فرمودید  
و اگر میدانستید و نمیتوانستید چرا ملت را آگاه  
نمیکردید و یا مانع تزیب قشون ملی میشدید و گذشته  
از این چرا آمدن امین السلطان ملعون را مانع میشدید

و گذاشتید او را بمسند صدارت بنشانند و چقدر ضعف  
داشتید که چند نفر خاین ملت مثل امیر بهادر و شایستال  
و غیره را در عرض دو سال نتوانستید از دربار بیرون  
کنید و یا تراقها را بمحدود فرستید و چگونه راضی  
شدید که معیر السلطنه که خیره اش از خیانت و استبداد  
شده بمسند صدارت و رئیس الوزرائی منصوب گردد ،  
در هر حال ملت شما را عفو می نماید زیرا که در  
آخر در راه حقوق آنها از جان گذشتن را هم با بیات  
رسانیدید و این خطاها از جهالت شما بود

علماء جاهل هستند ( مقصودم از علماء سوء میباشد  
مثل شیخ فضل الله و سید محمد بزدی و شیخ محمد و  
حاجی آقا محسن و حاجی میرزا حسن با مجتهد تبریزی که از  
اولاد شرح قاضی هستند ) زیرا که این آقایان خیال  
خام می کنند و گمان دارند با نسبت کفر به مشروطه  
خواهان دادن و حمایت از مستبدین را وظیفه شرعی  
خود نشان دادن میتوانند چشم ملت را به بندند و  
من بعد به آسودگی اموال ایتام را بیاضد و حالیه هم  
دخلی از مستبدین بکنند و حال آنکه نمیدانند که مشروطه  
خواهان نیز از بقای اسلام و سعادت وطن و ترقی  
ملت و رواج عدالت چیزهایی میخواهند و این را  
هم ملت بدرجه فهمیده است که اگر حالیه هر یک از  
افراد ملت هم مقاصد مقدسه مشروطه خواهان پی نبرده  
باشند بعدها ملالت خواهد شد ولی يك مسئله اظهر  
من الشمس میباشد آنرا ملت هم فهمیده است که شاه  
و اطرافش را حامی اسلام بلکه مسلمان نمیتوان خواند  
زیرا که شخص مسلمان قرآن کریم قسم دروغ یاد نمیکند  
حجج اسلامیه و سادات را آذرنه تخمیر نمیکند  
مسجد خدا را خراب می نماید بسفک دماغ مسلمان راضی  
نمیشود صاحب منصب روسی را سردار مملکت اسلامی  
نمی نماید سوامیس و اموال مسلمانان دست درازی نمیکند  
دانایان ملت مخوفی محمد علی میرزا را می شناسند آیا  
همین آدم نبود که در تبریز در هنگام وابستگی خود  
بده تومان رشوت طمع میکرد آیا همین شخص نبود که  
یکدائک از دمی ضرور میگرفت محال دیگر را صیقل  
میکرد آیا همین شخص نبود که قراولخانه های دولت  
را این و آن بفروخت آیا همین شخص نبود که برض  
و تاوس مردم دست درازی میکرد آیا همین آدم نبود



که هر شب مست کرده با ساده رویان وقت میگذرانید آیا همین آدم نبود که جواسیس خفیه در تبریز ایجاد کرده؟ چنانکه مردم از ترس آنها در خانه خودشان راحت نداشتند. آیا همین شاه نبود که با عنکبوت و حلبسازان تبریز جفت کرده سبب گران مان میشد؟ آیا مقصد حالیه او بغیر از این است که استبداد را عودت بدهد و بدون حرف بحركات ناشایسته خود شروع نماید؟ آیا شاه حلبال دیگر بغیر از اینکه برادل مسلمین را صرف عیش و نوش نماید و بفرنگستان رفته در قاشقه خانه ها خرج کند درگاه دارد؟ حالت درباریان هم معلوم است. انسال شرم میکند که حالت آنها را بنویسد. هینقدر در حق آنها کفایت میکنند که اغلب آنها یا خود شان ساده رو بوده اند یا آنکه دلای محبت نموده اند که بآن درجات ارتقا جسته اند و پس بدیهی است که از این قسم اشخاص چیز دیگر منتظر میتوان شد

حالا جای خنده در اینجا است که علماء سوء میخواهند حمایت این اشخاص را در انظار عوام حمایت از اسلام جلوه دهند. آیا این حلبال خام آقایان دلیل بر جهالت آنها نیست؟ ملت جاهل است برای اینکه اگر جاهل نبود اشخاصی را بکالت خود منتخب نمیکرد بلکه در مرض دو سال این قسم بلاها را پیش بینی نکنند. ملت جاهل است زیرا که فریب مستبدین را می خورد. ملت جاهل است برای اینکه پیروی بعضی علماء سوء و دشمنان حقیقی خود شان را مینماید. ملت اگر جاهل نبود بعد يك آن معاوضه های لسانی و آن تلگرافات که دابر بامداد مجلس مقدس میکرد عمل مینمود و بی حقی خود را بنامیان نشان نمیداد. بدیهی است که اهالی آذربایجان و شجاعان تبریز داخل اینها نیستند آنها کاری کردند و میکنند که طالبان را در غیرت خود متعیر ساختند و بدینا ثابت کردند که خون در بدن ایرانی موجود است و ایرانیها در راه حقوق مضوبه از جان و مال گذشتن را عین سعادت میدانند. روزنامه در طام پیدا نمیشود که بر از وصف شجاعت و غیرت ستارخان رئیس مجاهدین تبریز باشد

خبری شنیدم که خیلی ماهه تعجب گردید آن اینست که در بعضی انجمن های ایران در عین مذاکره از

خلع محمد علی شاه از سلطنت محبت بمیان آمده است که باک دولتین روس و انگلیس مداخله کرده طامع شوند اینهم دلیل به بی وقوفی و جهالت بعضی انجمنهاست برای اینکه این مسئله را قطعاً باید دانست که هیچوقت دول اجنبیه در امور داخلی يك مملکت مستقل در این گروه مسایل حق مداخله ندارند. چنانکه در مملکت مراکش با وجودیکه دولت فرانسه بموجب قرارنامه الجزیره حق مداخله در امورات داخلی آن مملکت داشت و صراحتاً هم از سلطان عبدالعزیز پادشاه آنجا که حامی فرانسه ها بود حمایت میکرد و قشون فرانسه هم حالیه در خاک مراکش است و دولت اسپانیا هم با آن متفق است و سایر دول هم مثل انگلیس و آلمان و غیره سلطنت سلطان عبدالعزیز را تصدیق کرده بودند اهالی مراکش مولی حفیظ برادر آنرا بسطنت قبول کردند و سلطان عبدالعزیز را خلع نمودند. در ابتدا فرانسه ها و اسپانیا هر قدر داد و فریاد کردند بجائی نرسید و از تلگراف دیروزی چنین مفهوم میشود که عموم دول سلطنت مولی حفیظ را تصدیق خواهند کرد و حال آنکه ایران را با مراکش مقایسه نمیتوان کرد و بموجب قرارنامه الجزیره حق مراکش را دولت مستقل شار نمیتوان نمود. حالا بطور میشود که در ایران که يك حکومت مستقل بوده و در پایتخت های عموم دول سفر دارد اگر مات شاه خود را از سلطنت خلع نماید دولتین روس و انگلیس مداخله مینمایند. به ما چه و بهای دول اجابی نباید گوش داد بلتیک آنها همیشه حمایت از قوی است اگر امروز شاه قوت دارد با او همراهند و اگر فردا ملت قوت پیدا کرد و شاه دیگر معین نمود و یا جمهوریت کرد آنوقت تغییر پاتیک داده با ملت متفق میشوند. هر چند يك مسئله را نباید فراموش کرد که حالیه دولت روس ابدأ بتزق ایران راضی میشود و اقتدار شاه را طالب است. ولی این مسئله دلیل باین نیست که روسها حق فرستادن قشون برای مدافعه از شاه را دارند ملت ایران تا وقتیکه به تبعه خارجه متعرض نشده دولتین هیچ اسم و رسم حق سؤال و جواب را ندارند. الحمد لله ملت مجبیه هم تا کنون با کمال حسن اخلاق با اجانب راه رفته و محافظه حقوق آنها را کرده است